

مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۲۸
پنجشنبه ۵۶ دیماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۰ ریال

امام خمینی:

اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی اقتصادی داشته باشد، همه جور وابستگی ها دنبالش می آید و وابستگی سیاسی هم پیدا می کنیم، وابستگی نظامی هم پیدا می کنیم، برای اینکه وقتی ما چیزی نداشته باشیم، دستمان به طرف آمریکا دراز میشود و آمریکا همه چیز را به ما تحمیل می کند.

(از سخنان امام در دیدار با اعضاء موسس انجمن اسلامی مستمعین مبارزه با اعتیاد)

مصوبات قانون اساسی در باره ملی کردن بازرگانی خارجی باید سریعاً اجرا شود

صفحات ۵۴

دهها هزار تن از مردم در سراسر کشور، خواستار ادامه افشاگریهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شدند

دهها هزار نفر از کارگران دریک راهپیمائی سراسری علیه امپریالیسم آمریکا شرکت کردند:

سازشکار، سازشکار، نوکر امریکائی کارگر، کارگر، دشمن امریکائی



همانطور که گلوله های امریکائی نتوانست عزم راسخ طبقه کارگر قهرمان ایران را از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده اش باز دارد، دیروز نیز کارگران مبارز، با وجود برف و باران، تظاهرات عظیمی در سراسر کشور علیه امپریالیسم امریکایی برگزار داشتند.

در ۸ صفحه امروز:

شعار مردم شیراز:

فتو دال خونخواری همدست امریکائی

صفحه ۲

درباره آموزش لنینی حزب طراز نوین طبقه کارگر

صفحه ۲

بایات سبب شقایق شعری از طارم سر بلند

صفحه ۸

نشر پیام امام بمناسبت میلاد مسیح با دموکراسی غربی، مبنایت دارد

صفحه ۲

ما خواستار محاکمه قاتلان و شکنجه گران توده ایها هستیم

صفحه ۸

شبهت های ناگزیر ...

صفحه ۷

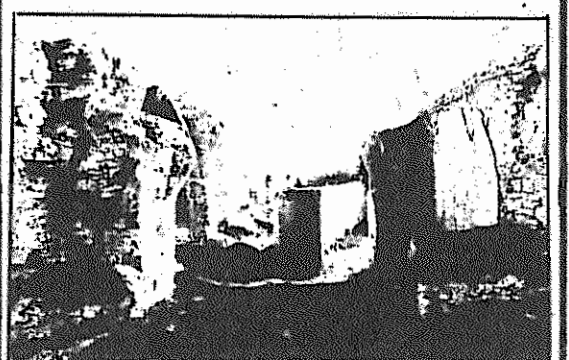
خون انقلاب در رگهای هنر

نگاهی به کاری ۲۵۱ موزه هنرهای معاصر - صفحه ۶

معنای يك واژه: سانتاژ

صفحه ۶

زیدان: ویرانه های بنام آبادی



روستایان زیدان: اگر يك شب باران بیاید، آن شب عزای ماست

صفحه ۷

امپریالیسم خونخوار نابود باید گردد
در پایان، نماینده کارگران بعد از درود بر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، قطعنامه ای را قرائت کرد، برخی از خواستهای کارگران چنین است:

۱- فسخ تداوم مبارزه ضد امپریالیستی ملت ایران تحت رهبری قاطع و سازش ناپذیر امام خمینی تا نابودی تمامی روابط امپریالیستی هستیم.

۲- ما ضمن پشتیبانی قاطع از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، از این برادران مجاهد خواهان تعیین تاریخی مشخص هستیم، که اگر شاه خائن و چاقشکار تا آن تاریخ به ایران بازگردانده نشد، بلافاصله محاکمه علنی تمام گروگانها آغاز شود. ما خواهان ملی شدن تمام سرمایه های امپریالیستی و وابسته در سراسر ایران و به ویژه در سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران هستیم.

بقیه در صفحه ۷

به نفع زحمتکشان ایران هستیم. بر روی تراکت دیگر کارگران نوشته شده بود: ماخواستار محاکمه انقلابی امپریالیست ها و تمام جیره خواران امپریالیسم جهان- خوار هستیم.

گروهی از کارگران تبریزی بر روی تراکت خود نوشته بودند: بیژیم، بیژیم، بیژیم! امپریالیسم جهان خوار ریشه سین کساح (همه با هم متحد شویم، تا ریشه امپریالیسم جهان خوار را از بن بکنیم)

همچنین کارگران در طی راه پیمائی با شعارهای پرشوری از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام حمایت نمودند و نشان دادند که طبقه کارگر ایران در پیروی از رهبری امام، آماده رزم با امپریالیسم امریکاست. کارگران در شعارهای خود گفتند:

گفته خینی امریکا دشمن ماست هر که در این راه نیست، دشمن ملت ماست صنایع وابسته ملی باید گردد

نوسازی صنایع ایران بودند، که در واحدهای صنعتی صنایع سنگین و صنایع معدنی، مجتمعی از صنایع ماشین سازی پارس در اراک و قزوین، تراکتور سازی تبریز، صنایع چوب و کاغذ ایران، تراکتور سپند، گونی بافی قاتم شهر، شرکت ماه در منطقه اراک و کارخانه نسوزهای آباد و تعدادی دیگر از کارخانجات، کار می کنند

کارگران در طی راهپیمائی با قاطعیت تمام، همانگونه که خصلت طبقاتی آنهاست، در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی صف آرایی کردند و با حمل تراکت های متعدد خواستهای انقلابی خود را در معرض افکار عمومی و مسئولین امر قرار دادند.

بر روی یکی از تراکت های متعلق به واگن سازی پارس نوشته شده بود: ما خواهان قطع کامل روابط اقتصادی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم خونخوار آمریکا و نیز مصادر سرمایه های امپریالیستی

شرکت های تابعه و وابسته سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران به پشتیبانی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، در روز گذشته در تهران و چند شهر دیگر انجام شد.

عصر دیروز گروه عظیمی از کارگران صنایع گسترش و توسعه صنایع ایران از ساعت ۳ بعد از ظهر در تهران در راهپیمائی با شکوه شرکت کردند. این راه پیمائی از در شرق دانشگاه شروع شد و در جلوی لانه جاسوسی آمریکا خاتمه یافت.

کارگران شرکت کننده در تظاهرات دیروز از شهرهای مختلف ایران از جمله اراک و تبریز به تهران آمدند و با وجود سرمای زمستان و برف و بوران در صفوف منظم و با گامهای استوار خود بر سنگفرش خیابان کوبیدند و قاطعانه خواستار تداوم انقلاب شدند.

این گروه از کارگران متعلق به بیش از ۳۵ شرکت و کارخانه وابسته به سازمان گسترش و

دیروز بدلیل انتشار اطلاعات شماره هشتاد دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مبتنی بر ادامه افشاگری ها در صورت موافقت مردم مبارز ایران، هزارها نفر از مردم و کارگران با راهپیمائی در جلوی جاسوخانه آمریکا و نیز دهها هزار نفر از مردم سراسر کشور، پشتیبانی کامل خود را از اقدام انقلابی دانشجویان و افشاگری های آنان علیه خائنین به منافع انقلاب ایران، اعلام داشتند. در پیشاپیش مردم طبقه کارگر انقلابی ایران قرار داشت.

طبقه کارگر ایران در عرصه مبارزات ضد امپریالیستی خود مبارز دیگر خواستار تداوم انقلاب شد. دیروز دهها هزار نفر از کارگران مبارز در راهپیمائی پرشور خود در سراسر کشور، در مقابل امپریالیسم امریکا صف آرایی کردند.

راهپیمائی سراسری ضد امپریالیستی اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی اسلامی کارکنان

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

درباره آموزش لنینی

حزب طراز نوین طبقه کارگر

لنین در مبارزه خود با جریانهای مختلف سازشکار و اپورتونیست، در یک سلسله آثار مهم خویش، آموزش مربوط به حزب طراز نوین طبقه کارگر، به اتکاء یک رشته رهنمودهای قبلی مارکس و انگلس، بسط داد. آثار لنین که این آموزش در آن آورده شده است، عبارتست از: «چه باید کرد؟»، «یک گام به پیش، دو گام به پس»، «دوتاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک»، «بیماری کودکان چپ روی».

اگر بخواهیم آموزش لنین را درباره حزب، براساس آثار پیشگفته، تلخیص کنیم، نتیجه گیریهای زیرین بدست می آید، که آنها با انطباق برواقیت تکامل حزب طبقه کارگر در دوران اخیر تاریخی بیان میداریم:

حزب، پلایددار و پیشاهنگ آگاه طبقه کارگر است. البته پیشاهنگان آگاهی که متعادلان طبقه کارگرند (مانند دهقانان و روشنفکران مرفی و کارمندان میانگین و کوچک و دیگر قشرهای مرفی و تهیدست شهر و ده) نیز در حزب طبقه کارگر، با پذیرش پیش طبقه کارگر شرکت میورزند. بدین ترتیب بهترین نیروهای زحمتکشانی یدی و فکری، که با بهره گیری سرمایه داری مخالفتند، در حزب طبقه کارگر متحد میشوند و یک گردان رزمند و آگاه را بوجود می آورند.

این حزب باید به یک تئوری دارای پایه و بنیای علمی مجهز باشد، که براساس آن وظایف و هدفهای طبقه کارگر را برای اصلاح اجتماع در برنامه حزبی بیان کند و این برنامه حزبی یک دوران مین تکامل تاریخی کشور مین را دربر میگیرد. به بیان دیگر، حزب به تئوری عمومی و تئوری خصوصی (یا انطباقی) انقلابی مجهز است.

وظیفه اعضای حزب است که این پیش و تئوری علمی انقلابی را فراگیرند، برنامه و اسناد حزبی را مورد بررسی و گوارش قرار دهند و در راه اجرای عملی تصمیمات حزب خود از هرگونه تلاشی تن زتنند و در همه جا بکوشند تا قشرهای وسیع زحمتکش، توده های مردم را از روش و سیاست حزب خود آگاه سازند.

حزب نه تنها پلایددار و پیشاهنگ آگاه طبقه کارگر و متعادلان اوست، بلکه پلایددار و گردان متشکل است. بدین معنی که عضو هر حزب حتما باید در یک سازمان بنیادی شرکت جوید و در چارچوب این سازمان فعالانه کار و پیکار کند. خود حزب یک سیستم یکپارچه و متحد این سازمانیست و یک «کل متحده» را بوجود می آورد که قادر است پیکار طبقه کارگر و متحدانش را موافق برنامه مین اداره کند و به پیش ببرد.

طبقه کارگر و متحدانش سازمانهای گوناگونی را در اختیار دارند، مانند سازمان جوانان، زنان، اتحادیه های کارگری و دهقانی، سازمانهای فرهنگی و ورزشی و هنری و غیره و غیره. حزب عالی ترین شکل سازمان طبقه کارگر، پرولتاریاست، یعنی همه دیگر سازمانهای پرولتاری را رهبری می کند.

این سازمانها، که غالبا جنبه صنفی دارند و در آن قشرهای وسیع امالی میتوانند شرکت جویند، تسامهای رابط حزب با اقیانوس وسیع جامعه است و حزب پیوند خود را با جامعه امری که دارای اهمیت حیاتی است، بکمک این سازمانها حفظ می کند، والا بیک فرقه محدود و در بسته و جدا افتاده از خلق بدل میشود. بکمک این سازمانهاست که حزب نتواند خلوص خود را در خدمتگزاری به طبقات و قشرهای زحمتکش جامعه، در عمل نشان دهد و مسلح آگاهی سیاسی آنها را ارتقاء بخشد. بعلاوه عمل و اندیشه خلق توده ها، یک منبع بزرگ تغذیه فکری و تجربی برای خود حزب است، یعنی حزب هم دیگران را می آموزد و هم از دیگران می آموزد.

اصل بنیادی سازمانی حزب طراز نوین طبقه کارگر، مرکزیت دمکراتیک است. زحمتکشان در تئوری پذیرش خود با سرمایه داری محلی و جهانی، سلاح دیگری بجز سازمان در دست ندارند، بقول شادروان لاهوتی: «چاره و تجربان وحدت و تشکیلات است».

اصل سازمانی حزب طبقه کارگر از هدفها و وظایفی که این حزب در برابر خویش می بیند، ناشی شده است، و نشانگر آنست که آیا حزب واقعا لیاقت آنرا دارد که در عمل بزرگی مانند انقلاب اجتماعی نقش ایفا کند.

حزب نظرات جدا جدا کارگران و زحمتکشان را در درون سازمان بیک قدرت واحد بدل میسازد و در مین آنها وحدت اندیشه و وحدت عمل برقرار میکند. اراده متحد و مترامم زحمتکشان میتواند نیروی پدید آورده که پیروزی بخش است، برای آنکه این وحدت اندیشه و عمل، این اتحاد ارادی زحمتکشان تحقق عملی یابد، وجود رهبری مرکزی حزب ضرور است. این رهبری مرکزی باید بتواند انضباط محکم را در صفوف حزب پدید آورد و خواستها و اراده های پراکنده را در مجرای واحدی سپردد. همه اعضای حزب موظفند در اجرای تصمیمات رهبری حزب با تمام نیرو بکوشند و معرفت و تجاربی را که در نبرد آموخته اند، بخدمت پیشرفت امر مشترک بکارند، نقائص کار را بر ماسازند، راههای ابتکاری نوینی را در برابر پای حزب بگذارند، یعنی به انتقاد و انتقاد از خود دست بزنند.

از آنجا که تصمیمات رهبری حزب، نمایانگر اراده جمعی حزب است، همه اعضای حزب موظف به اجرای عملی آنها هستند، حتی اگر بان موافقت نداشته باشند، زیرا هیچ عضو حزبی حق ندارد خواست فردی خود را به مانعی در سر راه اجرای خواست جمعی حزب بدل کند. این انضباط آگاهانه، یعنی قبول آگاهانه و از روی ادراک ضرورت اجرای تصمیمات رهبری مرکزی حزب، که پایه ای وحدت و یکنواختی و یگانگی هدف همه اعضای حزب است، به حزب خاصیت شکل میدهد و این امکان را پدید می آورد که حزب یگانه و هدفمند عمل کند.

بدینسان دو جانب عمده اساسی مرکزیت دمکراتیک عبارت است از: دمکراسی، یعنی اینکه کلیه اعضای حزب، از حوزه تا کنگره، در اتخاذ تصمیمات سیاسی و سازمانی حزب شرکت فعال دارند. و مرکزیت، یعنی اینکه تصمیمات متخذه از جانب ارگانهای رهبری کنگره از طرف کلیه اعضای حزب، با انضباط کامل و جدی و مانند تنی واحد و بدون تخلف اجرا میشود. مکانیسم اجرای مرکزیت دمکراتیک را این نام حزب مین می کند، باید توجه داشت که تناسب بین دو قطب دمکراسی و مرکزیت در شرایط مختلف کار حزب (کارمندی یا علمی، دولتی یا انقلابی یا آرام) تفاوت می کند و گاه یک قطب و گاه قطب دیگر عمده میشود، ولی در هیچ حالتی نباید یکی از دو قطب معطل بماند. دمکراسی بدون مرکزیت حزب را بسوی بی ثمری و به هر چه و مرج میرود. مرکزیت بدون دمکراسی حزب را به دستگاه اداری بدل می کند و بطرف گنبدگی معنوی سوق میدهد.

یافتن تناسب صحیح بین دو قطب، حفظ اکید این تناسب، در عمل، امری است دشوار و باید بدان توجه جدی معطوف شود. شایان ذکر است که یکی از جهات مهم دمکراسی حزبی مراعات اصل جمعی بودن رهبری است، یعنی حزب طراز نوین طبقه کارگر شیوه پیشوانی را رد می کند، بدون آنکه این سخن بماننی آن باشد که این حزب به حیثیت و اعتبار ارگانهای رهبری و رهبران حزبی توجه ندارد.

تکامل حزب منوط و مربوط است به آنکه آموزش مارکسیسم لنینیسم با مراعات مشخصات جامعه و وظایف خاص ناشی از تکامل انقلاب، با مصلح «پیاپی» شده.

جهان بینی مارکسیسم لنینیسم بعلت صلابت منطقی و غنا حیرت انگیز علمی و انسجام درونی خود قادر است بپاسانی که زندگی مطرح می کند، پاسخ گوید، ولی همه مطلب در اینجا است که ما تا اندازه بتوانیم این پیش کلی عمومی را بر ویژگیهای جامعه مین، دوران مین و وظایف مین انطباق دهیم، که در آن هم استواری در اصول و پی گیری در هدفهای انقلابی بدرستی ملحوظ شود و هم نرمش عملی و مراعات واقعیات و جستجوی امکانات. زیرا اگر ما در حصار «اصول» محبوس بمانیم، کار مایه جزم گرائی (دکمتیسم) و سلک گرائی (سکتاریسم) و در خود خزیند می کشد، و اگر ما بدنبال «امور ممکنه» بدهیم، دچار فرصت طلبی (اپورتونیسم) و بازیگری گرائی (روزی بیوسیسم) و دور شدن تدریجی از هدفهای انقلابی میشویم. همانطور که ترکیب «مرکزیت» و «دمکراسی» کاری است دشوار و نهم، بهمان ترتیب ترکیب «استواری اصولی» و «نرمش عملی» کاری است دشوار و نهم.

دورست ترکیب صحیح اصول (تئوری) با عمل انقلابی (پراکتیک)، مایه غنی تر شدن تئوری خدمت کرده ایم و از جرم گرائی و بازیگری گرائی (یعنی تجدیدنظر کردن غلط و غیر لازم و انحرافی در اصول تئوری) حزب را حفظ کرده ایم. برنامه حزب و قطعنامهها و قرارهای کنگره حزبی و رهبری مرکزی نمایانگر شیوه پیاپی کردن تئوری عمومی و واقعیت عینی جامعه مین، دوران مین، مرحله مین از انقلاب است. در همین زمینه است که حزب استراتژی دراز مدت و تاکتیک کوتاه مدت خود را مین می کند.

نبرد حزب طبقه کارگر در هر واحد ملی، در قبال جنبه نیرومند و متشکل سرمایه داری، زمانی میتواند با تسویق تاریخی-جهانی همراه باشد که اصل همبستگی جهانی نبرد پرولتاریا در نظر گرفته شود. شعار که مارکس و انگلس آورده اند: «پرولتاریان جهان یگانه شوید!» ناشی از همین ضرورت است.

این شعار بیانگر جهانگرایی (انترناسیونالیسم) سوسیالیستی پرولتاریا است، که در مقابل ملت گرائی (ناسیونالیسم) بورژوازی قرار دارد. روشن است که جهانگرایی پرولتاریا کوچکترین تضادی با مین دوستی ندارد، بلکه مکمل آنست. برای هر انقلابی سنگر رزم و حوزه ماموریت تاریخی او وطن اوست.

هر انقلابی موظف است برای رهائی وطن خود و مردمش از بردگی خارجی و غارتگری و ستم داخلی بکوشد و وطن خود را بسوی تعالی همه جانبه سوق دهد. منتها این تلاش در دشمنی نسبت به وطن دیگران نیست، بلکه بر عکس در همیاری و هماهنگی با نظیر این تلاش از طرف انقلابیون همه کشورهاست. در واقع طی قرن گذشته همبستگی پرولتاریا توانست طبقات و قشرهای زحمتکشانی یدی و فکری را به یک نیروی مقتدر تاریخ بدل کند و توانست حمله سرمایه داری را در موارد مختلف درهم شکند.

از آنجا که در این همبستگی رازی و نیروی هتگت نهان است، بورژوازی با مین کشیدن اقتراء «بی وطن» بودن انقلابیون مارکسیست لنینیست، می خواهد آنها را «هوکند» و از اعتبارشان در جامعه بکاهد و همبستگی را وابستگی نشان دهد، ولی این اتهامات مبلغان دلار در خور اعتنائیست، زیرا آنها درست از بریدی سلاح همبستگی پرولتاریای جهانی است که «برخ» میشوند و به درافتشان می پردازند.

در پایان این بحث باید گفت که تکامل احزاب کارگری و رسیدن آنها به عدالی «حزب طراز نوین طبقه کارگر» یک روند گماینش طولانی است، که به یک سلسله عوامل معینی (تکامل عمومی اجتماع و طبقه کارگر) و ذهنی (فراگیری عمیق تئوری انقلابی بوسیله پیشاهنگ و انطباق درست آن بر واقعیت جامعه مین) مربوط است.

حزب توده ایران از همان آغاز از جهت جهان بینی و موضع گیری سیاسی و تکیه گاه اجتماعی و همبستگی بین المللی خود، حزب طراز نوین طبقه کارگر بوده، ولی این بدان معنا نیست که این حزب یک روند پر فراز و نشیب تکاملی را در این راه طی نکرده است.

در شرایط کنونی، دادن شعار: «بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر»، یک شعار انحرافی مخالفان حزب است که می خواهند از اعتبار آن بکاهند. این حزب هم اکنون وجود دارد. وظیفه هر انقلابی است که به تکمیل همه جانبه آن در درون صفوف آن کمک رساند، نه بر عکس.

سدها پلای کارد درست داشتند، که در آنها خواستهای خود را اعلام کرده بودند،
- زمین از آن کسی است که آنرا احیاء میکند
- ریشه کن باد فئودالیسم و سرمایه داری و ایست
- نبرد با آمریکا شمارد است امروز
- برای دیگر گونی نظام حاکم بر سیاست کشاورزی و مبارزه با فئودالیسم از برنامه های انقلابی راضی صنفانی در مورد اصلاحات ارضی پشتیبانی میکنند.

در این اجتماع قطعنامه ای خوانده شد که در آن از جمله، ضرورت مبارزه بر علیه فئودالیسم و خوانین و سرمایه داران وابسته، به منظور جلب حمایت دهقانان و کارگران برای ایجاد یک جامعه ای قوی برای تدارک انقلاب، تاکید شده است. مراسم، در حالیکه راه مایان شعار می دادند، و دخینی بتشکن دشمن ادبایان است، انقلاب اسلامی حامی دهقانان است.
- درود بر زارعین، مرگ بر خوانین.
- جهاد ما در راه آزادی است، فئودال حامی وابستگی به پادشاه رسید.

در فسر فلاکت باری فرور برده است. انقلاب ما باید بتواند باین سیاه روزی پایان دهد و «آبادی» را واقعا آباد سازد.
(۱) خوش نشین- رعیت بدون زمین، بدون نسق یا سهم کارگر کشاورز، که برای کسان دیگر کار میکنند.
(۲) قاپون: تاقچه ای جویی که با زنجیر به سقف وصل شده و روی آن غذا می گذارند.
(۳) مشاع- زمین یا جز آن، که ملک مشترک چند تن باشد و حصه های آنان تقسیم نشده باشد.

شعار مردم سیراز
دردا دیمانی بزرگ علیه فئودالیسم

فئودال خونخواری همدست امریکائی

پلاکاردهای راه پیمانی:
فئودالیسم ارتجاعی توین وضده
انقلابی ترین پایگاه امپریالیسم است

مردم سیراز در یک راه پیمانی وسیع علیه فئودالیسم شرکت کردند و پشتیبانی خود را از اجرای اصلاحات ارضی، که در دستور روز وزارت کشاورزی قرار دارد، اعلام داشتند.
به گزارش خبرنگاران «مردم» از سیراز، راه پیمانی ساعت ۱۰ صبح روز شنبه آغاز شد در این راه پیمانی، که به دعوت ستاد دانشجویان مسلمان دانشگاه سیراز انجام میشد، گروه کثیری از مردم دانشجویان، از جمله هواداران حزب توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات سیراز شرکت داشتند. راه پیمایان، که در طول مسیر تعدادشان زیاد و زیادتر میشد، شعار می دادند:
- فئودال خونخواری، همدست امریکائی
- فئودال غارتگر، این دشمن کشاورز، سرکوب باید گردد
- راه پیمایان همچنین پلاکاردهایی در دست داشتند، که روی آنها نوشته شده بود:
- فئودالیسم ارتجاعی ترین و ضد انقلابی ترین پایگاه امپریالیسم است
- برنامه های راضی صنفانی مورد تأیید همه کشاورزان مستصف است

زیدان: ویرانه های بنام آبادی...

بقیه از صفحه ۴
شاه ایچا بعد از مدتی به ویرانه تبدیل شد. قبلا اینجا ۵ تا قنات بود، کدر حال حاضر سه تا آن کلا مخروبه است. فقط دو رشته از این قنات اکنون قابل بهره برداری است.
گندم و جو و سیفیجات، محصولات ۳۰ هکتار از ۲۰۰۰ هکتار زمینهای این روستا است، که زیر کشت قرار دارد. چرا باید اینهمه زمین عاطل و باطل بماند، کشت نشود و محصولات بازارها را بر، سفره دهقانان را رنگین و

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسم، و دمکراتیک آنرا از...

اخبار دهقانی

دهقانان با کمک نماینده امام، بحق خود - زمین - رسیدند

۱۲ تا ۱۵ هزار نفر از دهقانان بخش ازنا، شهرستان الیکودرز، مدت‌هاست زمین میخواستند. در بهار سال جاری دهقانان که از دولت موقت خیری ندیده بودند، دستجمعی دست به تصرف زمین مالک (امیر حسین خان فولادوند) زدند.

بعد از تصرف زمین توسط دهقانان، مالک دست باز نداشت و دهقانان زود علاوه بر اعمال زور، محبوسان به شکایت پرداخت. او حتی بدفتر امام مراجعه کرد و از آنجا نامه‌ای آورد بدین فکر که زمینهایش را پس بگیرد. نماینده امام، آقای کروبی، که خود از افراد محلی است، عازم ازنا میشود. دهقانان به نماینده امام شکایت می‌کنند که مالک آنها را محسوسانه اذیت و آزار می‌رساند. از آنجا که نماینده امام نیز خود سوابق خانوادگی مالک را میداند، به تفتیش خانه مالک می‌پردازد، که در نتیجه چندین قبضه تیر بار و تفنگ ۳ و مقدار ۱۳ کیلو تریاک از خانه مالک کشف میشود. نماینده امام با کشف مواد فوق، مالک را بدادگاه انقلاب خرآباد معرفی می‌کند، که در نتیجه مالک زندانی میشود. بعد از چندماه زندان، نماینده امام از ایشان تمهید می‌گیرد که فوراً محل را ترک کند و زمینهای مصادره شده که توسط دهقانان را بخود آنها واگذار نماید. مالک اینک در تهران بسر می‌برد ولی هنوز آبادی او دهقانان را گامگاهی اذیت میکند.

برای قطع آبادی مالکان بزرگ و سرکشی کردن بساط غارت آنها، باید هرچه زودتر وقایع مسئله زمین بسود دهقانان حل شود و زمینه توطئه و تحریک اپادبان از بین برود.

گوشه‌ای از جنایات مالک غاصبی در روستای «بایکلا» - بابل

«انجمن اسلامی بایکلا»، تحت عنوان «ولنت‌العلی - القوم‌الکافرین»، شرح جنایات خانواده مالک غاصبی را بنام «علیجان زاده»، که در رأس آن شخصی است بنام «حاج احمد علیجان زاده» نوشته و برای مقامهای مسئول فرستاده است. جوانان ده یک نسخه از آنرا هم برای مردم فرستاده‌اند.

خلاصه کلام این است که افراد این خانواده طی چندسال اخیر با ضرب و جرح، حداقل سه نفر را شفیق حیدرقلی‌زاده، اسفندیار حقانی و عظیم‌اسفندی حیدرقلی زاده - به قتل رسانده‌اند. پس از انقلاب نیز به دستور حاج احمد، شخصی را بنام ابوالحسن مومنی، هنگام مراجعت از حجاج دستگیر کرده با میله آهنی تاحسد مرگ کتک زده، خانه او را سنگ‌باران کرده و عیال و اطفال او را متواری ساخته‌اند.

حاج احمد اقتدار سفاک و بی‌آبروست که حتی از عمل منافعت چماق‌داران نیز علناً دفاع میکند... چماق‌داران حاج احمد هر روز عده‌ای را می‌زنند، مجروح میکنند، خانواده‌ها را وادار به فرار میکنند، تاراج‌هایش بساط حکمرانی و غارتگری را بتواند ادامه دهد. آنها برای مرعوب کردن مردم همدروم در محل قدرت نامعی میکنند، رژه می‌روند، بطوری که عواقب وخیمی در انتظار اهالی است...

جوانانی که اطلاعیه «انجمن اسلامی بایکلا» را برای ما فرستاده‌اند، در نامه خود چنین توضیح داده‌اند: «دهقانان بایکلا و منجمله جوانان زحمتکش ده، برای تظلم و دادخواهی بارها به دادگاه انقلاب بابل آمده‌اند. اما مالکان و فئودالها در دادگاه انقلاب نفوذ عجیبی بهم زده‌اند. دادگاه تاکنون تظلم دهقانان را بی‌جواب گذاشته، یا آنها را از خود رانده است.

دهقانان ناچار موضوع را با مطبوعات در میان گذاشته‌اند. اما متأسفانه انکسالی یافت. این است که با اصرار عده‌ای از دهقانان، بخصوص بنابر توصیه مجروحان و مصدومان حوادث اخیر، فرزند که گزارش این جنایات را به روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، بنویسیم.

جوانان بایکلا، که با عنوان «هواداران حزب توده ایران» برای مردم این گزارش را فرستاده‌اند، ضمناً درباره وضع ده ظلم و ستم مالک آن توضیح میدهند:

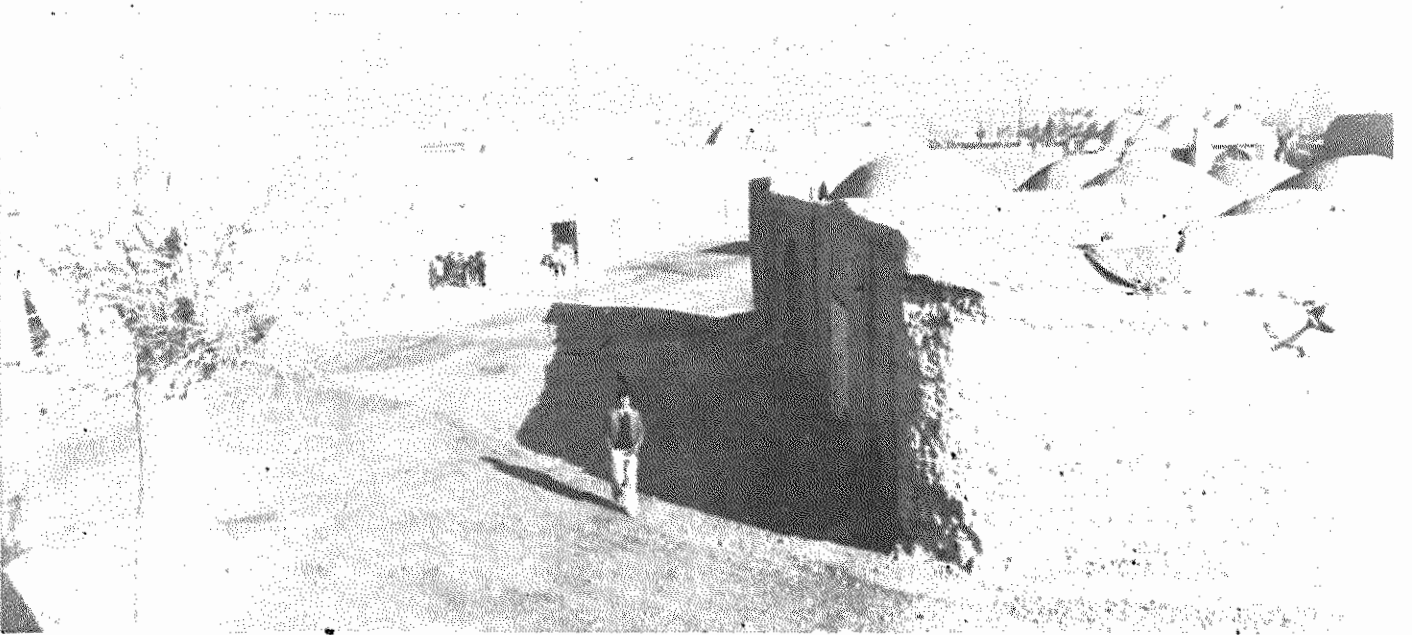
«ده بایکلا در ۲۰ کیلومتری بابل در بخش «ده پند» قرار دارد. هر آن‌امکان وقوع جنایت در آن هست. ادبایان تمسداً محیط تشیع و بر خود ایجاد میکنند ۳۰۰ نفر جمعیت ده فریب می‌چهل چماق‌دار حاج احمد رنج می‌برند. جوانان یک «انجمن اسلامی» برای عمران و آبادی ده درست کردند. حاج احمد و دستیارانش گفتند که جوانان نباید در این کارها دخالت کنند. با کلمه‌های ده تنی به جمعیت ده حمله کردند و عده‌ای را مجروح کردند...»

جوانان می‌نویسند، خیال نکنند ما در برابر چنین ظالم، سفاک و خون‌آشامی ساکت و بی‌تفاوت نباشیم، او را تهوریل دادگاه انقلاب ایداد بودیم. بعد از مدتی دادگاه منحل شد و او را آزاد کردند. پرونده او به دادگستری ارجاع شد. دادگستری گفت یاهرو طرف زندانی میشود یا سازش کنید. به نخست‌وزیری شکایت کردیم، فایده‌ای نکرد. حتی نزد سه نفر از شخصیت‌های روحانی محل رفتیم، اثری نداشت. علت همه این بدبختیها این است که او پول دارد، اسلحه دارد کمیته دارد، ریش هم دارد، پاسکاه هم، چون در این مقامات عناصر نابرابر سوخت کرده‌اند، همه اینها برای پیروزی و کامیابی او کافی است. مدت‌هاست که ما مردم روستاها، با پوست و استخوان خود به این نتیجه رسیده‌ایم که تا بساط نکت‌بار خود را سرنگون نشود و تاراج دهی از زمین ایران برکنه نشود، روی آبش و آرامش و رفاه نخواهیم دید. امید ما این است که شورای انقلاب اسلامی ایران هرچه زودتر و با قاطعیت وعده خود را عمل کند. ما با خوشحالی اعلامیه شورای انقلاب را خواندیم و تصمیمات اخیس مقامات مسئول را شنیدیم، حالاً بی‌سرنه منتظر عمل هستیم.

زیدان: ویرانه‌های به نام آبادی...

□ روستایان زیدان: اگر یک شب باران بیاید آن شب عزای ماست
□ از ۲۰۰۰ هکتار زمین این روستا، تنها ۳۰ هکتار زیر کشت است.

ویرانه‌های به نام آبادی...



منظره‌ای از ده زیدان

اتاق را پوشانده‌اند. آینه شکسته‌ای در بالای قابله سیاهی اتاق را نمکس می‌کند. از خانه بیرون می‌آئیم. سوز سردی از سوی دشتها میوزد. خورشید با مساحت مسی دارد که راه را به روی سرما بیندرد. اما راه به جایی نمیرود. عده‌ای خواستار این هستند که به حمام هم سری بزنیم. دالان تنگ و تاریک حمام تصویر دالان‌های زیدان را در ذهن انسان زنده می‌کند. تاریکی و عبای تاریکی تمام فضای کوچک حمام را دربر گرفته است. دو خزینه کوچک در گوشه‌های قرار گرفته‌اند و مملو از آب کثیف و سبزند. بخار و تاریکی دشت‌تاز در اینجا به هم آمیخته شده‌اند و فضای نامطبوعی را ایجاد کرده‌اند. زنی بی‌روکیده شروع به صحبت میکند.

«این حمام ماست. خیلی وقت است که می‌توانند یک حمام بسازند، اما می‌طولش میدهند. هر روز به مهندس تازه، هر روز یک بنای جدید، آخر ما از بس بدبختی مردم».

«وای گرم حمام غیر قابل تحمل است. بیرون می‌آئیم. کسی دریا دریا سخن دارد. مردی به پیش می‌آید، خودش را معرفی نمیکند. در مورد زمین حرف می‌زند. عشق او زمین است. این را میتوان از حرفهایش، از چمان غمبارش، که به دشت وسیع خیره میشود، فهمید. میگوید: «داینجا قبلاً ۱۹۶۰ سهم بود، که بعد از مدتی به ۷۲۰۰ سهم تقسیم شد. به بیانه‌اش (۳) بودن این زمینها، تاحالا هیچگونه آبادی و عمرانی انجام نگرفته است. برائت اصلاحات ارضی محمدرضا بقیه درصحه ۷

زنده: «ما اینک دخترها هم کار میکنند، باز پولمان کم می‌آید. ماشعاله خرج زندگی هم بالاست. آخر شما بگوئید، چاره چیست؟»

بیرزنی خمیده، با موهای سپید، وارد میشود. سیاهی رنگ پریده‌استخوانی دارد. دستپاشی می‌رزد. کنجکاو است که ببیند موضوع چیست؟ بعد با مهربانی خاصی مادرانه‌ای شروع به صحبت میکند: «میدانید مادر، ما برق نداریم. هر شب چراغ گرسوز روشن می‌کنیم. سن چشمهای ضعیف شده. خوب نمیشود شکایتی کرد. پیرم و هزار جور مرض بی‌یری. اما فکری به حال ما بکنید. دو سه بار خانه‌ام روی سرم خراب شده است. هیچکس نیست دست ما را بگیرد. اگر یکشب باران بیاید، آن شب، شب عزای ماست.»

«مادر شما چند سال دارید؟»

«نمی‌دانم، شاید ۶۰ سال. چهره‌اش از سنی که میگوید، بیشتر نشان میدهد. با تبسمی زنده سر را تکان می‌دهد و می‌گوید: «هیبتا هیبتا»

از زکارگاه خارج میشویم. از پله‌های قدیمی و کهنسال بالا می‌رویم. طاق‌خیزی ایوان از دوده سیاه است. مادر عیولانه پرده جلوی اتاقها را بالا می‌زند. درنگام اول هیچ چیز را نمیتوان دید. اتاقهای کوچک در تاریکی محض فرورفته‌اند. اینجا نه از پنجره خبری است، نه حتی از روزنه‌ای. زن به پشت‌بام اشاره میکند و میگوید:

«هر وقت باران بیاید، ما مجبوریم که خیلی زود پشت‌بام را کاهکال کنیم، وگرنه آب‌باران اینجا را ورسیدارد. زیلوه‌های فرسوده و زوار در درخته تمام کف ساختمانی».

کمرش گره زده، بازیکنند و دوباره می‌بندد. میگوید: «حالا که پرسیدید، بگذارید از حمام اینجام بگویم، اینجا یک حمام تازه، که آنهم خزینه‌ایست. آدم بخدا هزار جور مرض می‌گیرد.»

مرد جوان دوباره شروع به صحبت میکند: «مالکان اینده نمی‌گذارند ما این زمینها را بکاریم. خودشان ساکن‌ده نیستند. برای گول زدن دولت زمینها را داده‌اند. ششم زده‌اند و رفته‌اند تهران خوش می‌گذرانند. به فکر مایستند. عده‌ای به شهرها رفتند. میگویند اونجا هم گرفتاری و بدبختی زیادی دارند. اما از اینجا که راحت شدند. مال‌زسب که بلند میشویم، دچار دل‌پراهیم که یک لقمه نان روزانه گیر می‌آوریم یانه. آب اینجا هم باعث بدبختی است. یکبار قبلاً قاتلها خشک شدند و ماسه ما به آب ماندیم. خیلی ما همان موقع سباجرت کردند، اما ما بی‌چیزا مجبور بودیم که بمانیم.»

زنی میانه‌سال به دیوار تکیه داده و با چشمان کنجکاو مشتاقانه گوش میدهد. موهای ژولیده او از زیر چادر نخ‌نما شده‌اش بیرون آمده است. دستهای زمخت و پینه بسته‌اش در سرما سرخ شده. آستین کوتاه لباس مندرمش نمی‌تواند تمام دست او را بپوشاند.

استغثت حاجیان است. حرف می‌زند: «تا بچه دارم».

دختر بزرگش ناگهان میان حرفش میبرد و میگوید: «هنه ۸ تاواری».

زن با کشاده روی می‌خندد: «آره مثل اینکه ۸ تا بچه دارم. آره داشتم می‌گفتم ۸ تا بچه و یک خانه گلی و یک سفره خالی. خانه هم مال خودمان نیست، اما ما ساختمانی».

در ۵۰ کیلومتری تهران، روستای ویران در پس چاده قم آرمیده است. چاده خاکی پراز سنگلاخ چاده اصلی راه به روستا میرساند. حاشیه چاده خاکی پوشیده از درخت های خزان زده‌ای است که پاشاخه‌های تهی از زندگی‌شان، یسه ده ویران اشاره میکنند. در انتهای چاده دهگورهای به نام زیدان چشم انتظار است.

خانه‌های گلی و خشتی ویران شده، کوچه‌های سردرم فرورده‌اند و برای یکدیگر زبزه می‌خورند. خورشید در تلاوی زیبای خویش صرناغه تلاش میکند که به این زندگی ایستا حرکتی بدهد. دوسه مرد کنار دیوار خشتی‌طوبلی ایستاده‌اند، دستها را در جیب خود فرو برده و سخت مشغول صحبت‌اند. هر چند لظله بر می‌گردند و به مزارع خالی نظری می‌افکنند. پسر از این چند نفر از هیچ جنبه دیگری خبری نیست.

زردیک میشویم. مردان با نگاه‌های بیگانه و چهره‌های آفتاب سوخته‌شان مارا استقبال می‌کنند. شروع به صحبت می‌کنیم. یکی از مردان جوان خوش را معرفی میکند. بعد از مشکلات میگوید: «مشکلات ما که زیاد از کموش شروع کم. دوتا بچه دارم. خودم هم خوش نشینم (۱). حالا مجبورم هر روز برای کار کردن بروم شهر. اما معلوم نیست در شهر کار باشد یا نباشد. بعضی موقعها هم تو ده بالا کار میکنم. میدانید اینجا خرده مالکی است. خیلی‌ها زمین ندارند. در ده فقط ۱۹۹ سهم وجود دارد. من هم جزو کسانی هستم که سهم ندارم. به خاطر همین، بدبختی از سر و کولمان بالا می‌رود. مانده درمانگاری داریم نه هیچ چیز درست و حسابی دیگری. اگر کسی مرضی بشود، باید از اینجا بیرون برود. حالا تا شهر زنده بماند یا میرود. این دیگر دست خداست.»

زنی که چند لحظه‌ای است از راه رسیده، سخن مرد جوان را دنبال میکند: «مخودن خیلی وقته که باهام دردمیکنند. اما نه پول دارم که بروم دکتر شخصی، نه دکتر دیگری که نزدیک باشد، هست. دوسه تا ده بالاتر یک درمانگاه هست. اما چهارکته رقت آنجا. اما رسیدگی درست و حسابی نشد.»

رنج در شیارهای چهره‌اش لانه گزیده و چشمانش فقط نمکس کننده غم است. شلوارش را بالا می‌زند و ساق پایش را نشان میدهد. پایش بطور دلخراشی کبود شده و رورم کرده است.

استغثت گیری محسوس است چادر رنگ‌رو زده و کهنه‌اش را، که بطور

دختران خودسال ده در صندوق خانه‌ای، که به کارگاه قالببافی تبدیل شده، قالی می‌بافند

دخترهایم فرش می‌بافند، بیاید ببینید. آفتاب تند نیم‌روزی از درون پنجره‌ها که به داخل اتاق می‌تابد، هوای اتاق دم کرده و بوی غذا روی اجاق تمام فضای کوچک کارگاه را پر کرده است. دختران پشت‌چهارچوب فرش نشسته‌اند و بوی قهقهه فرش می‌بافند. مادر دوباره برایمان حرف می‌

مردم: دخاتم میشود خانه خودتان را به ما نشان بدهید»

با شوخی و سفینا پذیرد، با لجه تند محلی میگوید: «چرا نمیشود» و به راه می‌افتد. ۷ تا ۸ تا بچه لخت و پتی هم دنبالش قطار میشوند.

در جوی خانه شیون‌کنان به حیاطی وسیع باز میشود. در گوشه‌های زباله‌ها روی هم تلنبار شده‌اند. ایوانی در دست راست قرار دارد. جلوی ایوان «قاویون» (۲) از سقف آویزان شده است. زن ما را به اتاقی میبرد و میگوید:

دخترهایم فرش می‌بافند، بیاید ببینید. آفتاب تند نیم‌روزی از درون پنجره‌ها که به داخل اتاق می‌تابد، هوای اتاق دم کرده و بوی غذا روی اجاق تمام فضای کوچک کارگاه را پر کرده است. دختران پشت‌چهارچوب فرش نشسته‌اند و بوی قهقهه فرش می‌بافند. مادر دوباره برایمان حرف می‌

دخترهایم فرش می‌بافند، بیاید ببینید. آفتاب تند نیم‌روزی از درون پنجره‌ها که به داخل اتاق می‌تابد، هوای اتاق دم کرده و بوی غذا روی اجاق تمام فضای کوچک کارگاه را پر کرده است. دختران پشت‌چهارچوب فرش نشسته‌اند و بوی قهقهه فرش می‌بافند. مادر دوباره برایمان حرف می‌

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

در مطبوعات کشور

دکتر باهنر: بخش عظیمی از رهبری بردوش خودمردم است

یکی از بزرگترین پشتوانه های انقلاب ما نیروی گامه رشد یافته ملت ما است. در انقلاب ملت ما ساخته شدند و بخش عظیمی از رهبری بر دوش خود مردم است. این مردم که تصمیم بگیرند و کارائی رهبری امام هم در همین است که دقیقاً در جهت خاص و اراده مردم و همگام با مردم حرکت کرده اند، اما در جریان مبارزه هم بخوبی احساس میکردیم که این ملت بودند تصمیم میگرفتند و حرکت می کردند و مقاومت میکردند. گذشته از این افراد و گروههایی هم هستند که میتوانند بار رهبری را بدوش بکشند، منتها ما با وجود شایستگیهای فوق العادهای

که از لحاظ رهبری در امام سراغ داریم مصلحت انقلاب را در این می بینیم که ملت با رهبری مشترک بگیرند و کارائی رهبری امام بدهد. در هر حال برای آینده تکراری وجود ندارد و چون ملت ما تصمیم گرفته است تا آزاد زندگی نماید و کشورش را بسازد و با ظلم و استعمار و سلطه بیگانه مبارزه نماید، ملت راه خود را یافته است و ما مطمئن هستیم که این ملت در تمام فراز و نشیبهای آینده انقلاب خویش میتواند به آرمانهای خود دست یابد. (جمهوری اسلامی، ۳ دی)



کیهان - ۴ دی - طرح از حسین ماسیانی

پیام حضرت آیت الله صدوقی خطاب به شورای انقلاب: بیش از این نشستن و شاهد توطئه بودن بر خلاف تعهدات انقلابی است

● با وجود تذکرات مکرر در مورد پاسکاری سازمانهای حساس، اقدام چشمگیر و مثبتی مشاهده نمی گردد.

● با کمال تأسف چهرههایی نظیر امیرانتظامها و درخششها و امثال آنها یکی پس از دیگری بوسیله اقدامات ملت (تسه ارگانهای اجرائی) مرفی میشوند.

● امیدواریم بیش از انقلابی همه را شامل گردد (جمهوری اسلامی، ۳ دی)

از تحلیل سیاسی جنبش مسلمانان مبارز: لیبرالها می کوشیدند انقلاب را در جهت منافع امپریالیسم منحرف سازند

فشار اغتشاشات داخلی و بجران اقتصادی لیبرالها را در اتحاد نزدیک با سرمایه داران و بعضی فرماندهان ارتش و ارتجاع و ادار خواهد کرد تا سیاست خارجی و داخلی کشور را در جهت حفظ وابستگی به امپریالیسم قرار دهند. آنان برای حفظ و توسعه قلمرو نفوذ قدرت خود در برابر فشار روزافزون توده ها از یکطرف و رقیب سیاسی خود از طرف دیگر، ضمن ادامه تظاهر به وفاداری به آرمانهای انقلاب و خط امام عملاً دست به تشکیل جبهه ای از عوامل و نیروهای فوق الذکر زدند و کوشیدند با برخورداری از حمایت غیر مستقیم آمریکا انقلاب را خاموش و حرکت آنرا کند و متوقف ساخته - نظمی غیرانقلابی و وابسته زیرپوشش جمهوری اسلامی بر ایران انقلابی تحمیل نمایند.

این روند تا پیش از آغاز حرکت ضد امپریالیستی اخیر در تمام ابعاد با موفقیت چشمگیری روبرو بوده است.

● نهادی انقلابی چون سپاه پاسداران، کمیته ها، بنیاد مستضعفان زیر فشار برخی از عناصر قفری از رشد و تحرك و بالندگی بازمانده اند.

آشوب بلوچستان و تبریز را فئودالیان باعث شدند که جندی پیش برای محافظت نظم مسلح دریافت کرده بودند!

● عمل انقلابی دانشجویان مبارز و متمرد در اشغال لانه جاسوسی آمریکا و تألیف امام خمینی نسبت به آغاز مرحله جدید انقلاب علیه امپریالیسم آمریکا - خط بطلان بر کارنامه و عملکرد دست اندرکاران دوره فترت کشید و از پایه انقلاب را از گل ولای محافظه کاری و سازشکاری بیرون کشید. بازوان نیرومند توده مبارز بحرکت آمد و چرخهای سنگین را به پیش راند و لانه را بر سر جاسوسان خراب کرد و امید تازه ای در دلهای خلق افکند. امام اطلاعیه در پیشانیای خلق خمینیک پرچم مبارزه ضد امپریالیستی را افراشته و در این راه با گامهای استوار به پیش رفت سازشکاران به دستویا افتادند، و شیطان بزرگ سیاه خود را بسج کرد، توطئه ها برای سازش آغاز گردید.

مصوبات قانون اساسی در باره

نقش بازرگانی خارجی در اقتصاد ایران در دوران تسلط امپریالیسم و نواستعمار

ایران در در قرن گذشته نمونه کلاسیک ایراد فشار غارت اقتصادی از جانب سرمایه داری و امپریالیسم از راه بازرگانی خارجی به اقتصاد ملی خود بوده است. ما از بحث تفصیلی در این موضوع بی نیاز هستیم، زیرا امکان با این وضع و پیش آشنائی دارند. با این وجود بررسی تاریخی و فهرستوار از ضرباتی که سرمایه داری در دوران تسلط استعمار، امپریالیسم و نواستعمار، با استفاده از تسلط خود بر بازرگانی خارجی به اقتصاد کشور ما وارد آورده، برای آشنائی عموم بسا این مسئله بسی مناسب نیست.

کشور ما ایران تادوران پیدایش و استقرار سرمایه داری در کشورهای پیشرفته اروپائی، در مدار اقتصاد بسته خود بود و تولید کالای و شیوه تولید را با رعیتی از خود کفائی نسبی برخوردار بود. ما نه فقط ما محتاج اولیه و ابتدائی زندگی را در داخل کشور خود تولید میکردیم، بلکه از صادرات محصولات نسبتاً پیشرفته و وسیعی که صدور پارچه و راس آن قرار داشت، برخوردار بودیم. از اوایل قرن نوزدهم صدور کالاهای انگلیسی بندر بیج بر تولید محصولات دستی در کشور ما اثر میگذارد، بطوریکه در اواسط آن قرن، واردات مسوجات انگلیسی، اقتصاد پیشرو و سرمایه داری ایران را در زمینه تولید و صدور پارچه و برخی محصولات فلزی بخاطر، بکلی درهم میریزد. در سالهای ۱۸۷۰-۱۸۸۰ به شرای کاشانی-کارگاههای تولید پارچه کاشان که قبلاً در هر یک از آنها تا پیش از صد نفر بکار مشغول بودند، دیگر از بین رفته بودند.

اواخر قرن نوزدهم، کشور ما نه فقط به واردات محصولات مصرفی از اروپا محتاج میشود، بلکه بتدریج به صادرات کشور صادرکننده مواد خام کشاورزی مورد نیاز بازرگانان سرمایه داری درمی آید. در بازرگانی خارجی ایران وضعی پدید می آید، که بسود دول سرمایه داری و بزیان اقتصاد ملی، ایران به کشور وارد کننده محصولات مصرفی و صادر کننده مواد خام کشاورزی بدل میشود. از طریق بازرگانی خارجی غارت ثروت و استثمار مردم تشدید میگردد و از انباشت سرمایه در داخل بسود اقتصاد ملی جلوگیری بعمل می آید.

دویمه اول قرن بیستم، موازی با تسلط امپریالیسم بر جهان، اقتصاد ملی ایران در معرض تهاجم شدید سرمایه داری و کالای خارجی قرار میگردد. در این دوران تسلط بر بازرگانی خارجی ایران به موضوع عمده رقابت بین دول امپریالیستی انگلیس، روسیه تزاری و آلمان تا جنگ اول جهانی و پس از آن تا جنگ جهانی دوم به موضوع عمده رقابت بین انگلیس، آلمان، آمریکا و دیگر دول پیشرفته سرمایه داری بدل میگردد. همه این دول سعی دارند با استفاده از کمپنی تسلط بر بازرگانی خارجی، هر چه وسیعتر بازار داخلی ایران را از کالاهای ساخت خود اشباع کنند و هر چه زیاده تر سودهای کلان و زیاده از حد بدست آورند و این منافعی را بخارج انتقال دهند. با استفاده از تسلط بر بازرگانی خارجی است که دول امپریالیستی، ضمن گسترش فروش و دول امپریالیستی و بزبان کشورهای در حال رشد، بیشتر مورد استفاده قرار داده است. ما شاهد و ناظر آن هستیم که پیدایش گروه بندیهای اقتصادی و مالی دول امپریالیستی، نظیر «بازار مشترک»، از ۱۹۵۹ به این طرف نیز موجب آن بوده است که فشار شدیدتری از راه بازرگانی خارجی به اقتصاد ملی کشورهای در حال رشد، متوجه کشورهای ایران، وارد آید. و مجموعه اقتصادی ما با مشکلات عظیمی مواجه گردد.

نقش بازرگانی خارجی در اقتصاد جهانی

ما قصد آن نداریم که وجود ابهام بسیار در گفته سرپرست وزارت دارائی و امور اقتصادی را در مورد مسئله مهمی نظیر ملی کردن بازرگانی خارجی مورد بحث قرار دهیم. فقط باید با تاسف فراوان خاطر نشان سازیم که در چنین مسئله حیاتی، کار را به امروز و فردا انداختن، تحت عنوان این که «کار به این سادگی... نیست» و با این اظهار که «اگر این اصل قانون بسعت پیدا شود... اجزای قانون اساسی را تحت علامت سؤال قرار دادن، دبی تفاوت مانند در برابر سرزدهای باز از نظر بازرگانی خارجی، به این دلیل که «آنچه به بازرگانی خارجی مربوط میشود، یک عمل موقتی است»، در شان دولت انقلابی نیست، زیرا دولت انقلابی و یکپارچه و زرا و سرپرستهای کامل قانون اساسی و یک مسوولیت خطیری بعهده دارند این چنین بر خودی به مسائل حیاتی و مهم درجه اول مملکتی، تنها میتوانند بزبان انقلاب تمام شود.

نقش بازرگانی خارجی در اقتصاد جهانی

نقش استفاده از اهرم بازرگانی خارجی به منظور غارت ثروت و استثمار کشورهای در حال رشد، بویژه پس از جنگ دوم جهانی، افزایش فوق العاده پیدا کرد. حجم مبادلات بازرگانی در جهان سرمایه داری در چند دهه اخیر، تحولات دیگری نیز بزیان کشورهای در حال رشد صورت گرفته است. از آنجا که با خروج تعدادی از کشورهای در حال رشد از حیطه بازرگانی سرمایه داری، تعداد این کشورها روبه کاهش است، به فشار اقتصادی غارتگرانه امپریالیسم بر مجموعه کشورهای در حال رشدی که در حیطه تسلط بازرگانی امپریالیستی باقی مانده اند، افزوده شده است. به علاوه در ترکیه، صدور کالا نیز از کشورهای پیشرفته سرمایه داری به کشورهای عقب مانده، تیسیر جدیدی در جهت افزایش صدور کالاهای کشاورزی و مواد خام به این کشورها و تبدیل برخی از کشورهای امپریالیستی مانند آمریکا به صادرکننده محصولات کشاورزی صورت گرفته که ضربات جدی تری را به اقتصاد ملی کشورهای در حال رشد وارد ساخته است. همچنین پیدایش سرمایه داری انحصاری دولتی، با بدست داشتن اهرمهای همه ای نظیر انحصارات چندملیتی از عواملی بشمار میرود که استفاده از اهرام بازرگانی خارجی را بسود دول امپریالیستی و بزبان کشورهای در حال رشد، بیشتر مورد استفاده قرار داده است. ما شاهد و ناظر آن هستیم که پیدایش گروه بندیهای اقتصادی و مالی دول امپریالیستی، نظیر «بازار مشترک»، از ۱۹۵۹ به این طرف نیز موجب آن بوده است که فشار شدیدتری از راه بازرگانی خارجی به اقتصاد ملی کشورهای در حال رشد، متوجه کشورهای ایران، وارد آید. و مجموعه اقتصادی ما با مشکلات عظیمی مواجه گردد.

نقش بازرگانی خارجی در اقتصاد جهانی

تقسیم کار ناقص الخلقه، غیر عادلانه و نابرابر بوده است. در این تقسیم کار، در یک طرف، مددوری دول پیشرفته سرمایه داری قرار گرفته اند، که تولید و صدور کالاهای ساخته شده (بویژه ماشین و ابزار آلات صنعتی) را در دست خود خاطر نشان سازیم. در جانب دیگر گروه عظیمی کشورهای عقب مانده و در حال رشد هستند، که بصورت تولید و صادر کننده مواد خام کشاورزی، صنعتی و وارد کننده کالاهای صنعتی، باقی مانده اند. تقسیم کار سرمایه داری و بویژه امپریالیستی و نواستعماری باعث شده است که کشورهای مستعمره و وابسته به زائده تولید مواد خام و مصرف کننده کالاهای صنعتی دول پیشرفته سرمایه داری بدل شوند.

نقش بازرگانی خارجی در اقتصاد جهانی

بازرگانی خارجی و تسلط بر آن در دوران امپریالیسم و نواستعمار به اهرم مهم استثمار میلیاردها سکنه کشورهای در حال رشد بدل گردیده است. با استفاده از مبادله ناسا بر کالا (فروش کالاهای صنعتی به قیمت گران و خرید مواد خام به قیمت های نازل) و صدور سرمایه به اشکال مختلف، دول و انحصارات امپریالیستی، راهزانه تمام هستی ملل کشورهای در حال رشد را بنارت برده و میبرند.

نقش بازرگانی خارجی در اقتصاد جهانی

نقش استفاده از اهرم بازرگانی خارجی به منظور غارت ثروت و استثمار کشورهای در حال رشد، بویژه پس از جنگ دوم جهانی، افزایش فوق العاده پیدا کرد. حجم مبادلات بازرگانی در جهان سرمایه داری در چند دهه اخیر، تحولات دیگری نیز بزیان کشورهای در حال رشد صورت گرفته است. از آنجا که با خروج تعدادی از کشورهای در حال رشد از حیطه بازرگانی سرمایه داری، تعداد این کشورها روبه کاهش است، به فشار اقتصادی غارتگرانه امپریالیسم بر مجموعه کشورهای در حال رشدی که در حیطه تسلط بازرگانی امپریالیستی باقی مانده اند، افزوده شده است. به علاوه در ترکیه، صدور کالا نیز از کشورهای پیشرفته سرمایه داری به کشورهای عقب مانده، تیسیر جدیدی در جهت افزایش صدور کالاهای کشاورزی و مواد خام به این کشورها و تبدیل برخی از کشورهای امپریالیستی مانند آمریکا به صادرکننده محصولات کشاورزی صورت گرفته که ضربات جدی تری را به اقتصاد ملی کشورهای در حال رشد وارد ساخته است. همچنین پیدایش سرمایه داری انحصاری دولتی، با بدست داشتن اهرمهای همه ای نظیر انحصارات چندملیتی از عواملی بشمار میرود که استفاده از اهرام بازرگانی خارجی را بسود دول امپریالیستی و بزبان کشورهای در حال رشد، بیشتر مورد استفاده قرار داده است. ما شاهد و ناظر آن هستیم که پیدایش گروه بندیهای اقتصادی و مالی دول امپریالیستی، نظیر «بازار مشترک»، از ۱۹۵۹ به این طرف نیز موجب آن بوده است که فشار شدیدتری از راه بازرگانی خارجی به اقتصاد ملی کشورهای در حال رشد، متوجه کشورهای ایران، وارد آید. و مجموعه اقتصادی ما با مشکلات عظیمی مواجه گردد.

نقش بازرگانی خارجی در اقتصاد جهانی

نقش استفاده از اهرم بازرگانی خارجی به منظور غارت ثروت و استثمار کشورهای در حال رشد، بویژه پس از جنگ دوم جهانی، افزایش فوق العاده پیدا کرد. حجم مبادلات بازرگانی در جهان سرمایه داری در چند دهه اخیر، تحولات دیگری نیز بزیان کشورهای در حال رشد صورت گرفته است. از آنجا که با خروج تعدادی از کشورهای در حال رشد از حیطه بازرگانی سرمایه داری، تعداد این کشورها روبه کاهش است، به فشار اقتصادی غارتگرانه امپریالیسم بر مجموعه کشورهای در حال رشدی که در حیطه تسلط بازرگانی امپریالیستی باقی مانده اند، افزوده شده است. به علاوه در ترکیه، صدور کالا نیز از کشورهای پیشرفته سرمایه داری به کشورهای عقب مانده، تیسیر جدیدی در جهت افزایش صدور کالاهای کشاورزی و مواد خام به این کشورها و تبدیل برخی از کشورهای امپریالیستی مانند آمریکا به صادرکننده محصولات کشاورزی صورت گرفته که ضربات جدی تری را به اقتصاد ملی کشورهای در حال رشد وارد ساخته است. همچنین پیدایش سرمایه داری انحصاری دولتی، با بدست داشتن اهرمهای همه ای نظیر انحصارات چندملیتی از عواملی بشمار میرود که استفاده از اهرام بازرگانی خارجی را بسود دول امپریالیستی و بزبان کشورهای در حال رشد، بیشتر مورد استفاده قرار داده است. ما شاهد و ناظر آن هستیم که پیدایش گروه بندیهای اقتصادی و مالی دول امپریالیستی، نظیر «بازار مشترک»، از ۱۹۵۹ به این طرف نیز موجب آن بوده است که فشار شدیدتری از راه بازرگانی خارجی به اقتصاد ملی کشورهای در حال رشد، متوجه کشورهای ایران، وارد آید. و مجموعه اقتصادی ما با مشکلات عظیمی مواجه گردد.

ملی کردن بازرگانی خارجی سرریعا باید اجرا شود

ایران افتادن و آنچنان به نفوذ در اعماق اقتصاد ایران پرداختند، که حتی بر آن متصور نبود.

رخه امپریالیسم و نو استعمار در بازرگانی ایران نه فقط از مرز تسلط کامل بر بازرگانی خارجی در دست خود فراتر رفت، بلکه امپریالیسم بخش مهمی از بازرگانی داخلی را نیز بدست گرفت و حتی نامنازه‌های بقالی و عطاری سرگذر نیز رخنه کرد. با وجود چنین وضعی، اگر اقتصاد ملی ایران از یاد نماند و به بحران عدم تعادل شدید در همه زمینه‌های صنعتی، کشاورزی و خدمات نینجامد، البته بجای نتیجه بود. مانده این وضعیت را در تابستان ۱۳۵۶ در زمان هویدا، و در تابستان ۱۳۵۶ در زمان آموزگار، در عدم تکفوی برق برای مصرف به‌خوبی مشاهده کردیم. پیدایش عدم تعادل و توازن فلاکت‌بار و مدتها در اقتصاد ملی ایران نتیجه منطقی و ناگزیر تسلط امپریالیسم و نو استعمار بر همه شئون اقتصادی کشور، منجمله و به‌ویژه بر بازرگانی خارجی ایران بود.

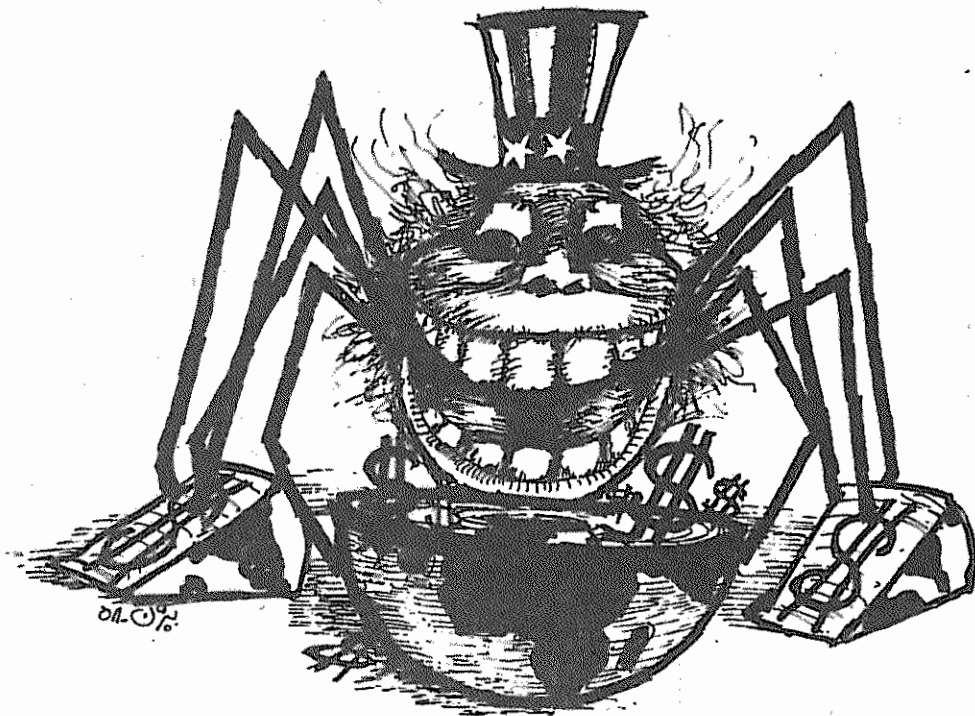
از آنچه به اختصار و فهرست وار بیان شد، دیده می‌شود که استقلال بازرگانی خارجی برای یک کشور چه اهمیت فوق‌العاده ای دارد و ملی کردن این رشته مهم از فعالیت اقتصادی، از نظر پایان دادن به وضع فلاکت‌بار گذشته، ترمیم خرابی‌های موجود و نيل به اقتصاد شکوفان ملی حائز چه اهمیت عظیمی است. به همین جهت است که، ما چنانکه در ابتدای این نوشته اشاره کردیم، نتوانستیم از اینکه مقامات دولت جمهوری اسلامی چنین مسئله مهمی را تا بحال حل نشده باقی گذاشته و سر نوشت آنرا به اگر و مگر سپرده و میسازند تا بر از ناسف عمیق نکشیم.

۳ اهمیت اصل ملی کردن بازرگانی خارجی در قانون اساسی

یروزی انقلاب عظیم شد امپریالیستی و خلقی ایران و استقرار جمهوری اسلامی امکان داشت. برای اتخاذ یکسره تصمیمات بنیادی در زمینه دیگر گونی و نوسازی اقتصاد ملی ایران بر بنیان تأمین استقلال اقتصادی بوجود آورده است. به درستی میتوان گفت اتخاذ این تصمیمات و اجرای آنها بی‌شکوهانه رضامن معطن و معتبر تحکیم استقلال سیاسی و ارتقاء انقلاب به مرحله دوم است، یعنی نيل به همان هدفهایی که توده‌های زحمتکش مردم ایران میخواهند و امام خمینی بصرحت در آن جهت تأکید دارند. ملی کردن بازرگانی خارجی و تعمیق سریع این امر مهم یکی از تصمیمات نهاده و بنیادی دمام دیگر گونی اقتصاد ملی ایران است که محتاج عمل سریع، قاطع و بدون وقفه است.

ملی کردن بازرگانی خارجی ایران، که اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی آنرا تصویب کرده و بنوان وظیفه مهمی، تحقق آنرا در برابر ارگانهای اجرائی دولت انقلابی قرار داده است، قبل از همه از نظر پایان دادن سریع تسلط امپریالیسم بر اقتصاد ایران ضرورت دارد. به تبع از قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، کلیه قوانین و آئین نامه‌های ناقص انحصاردولتی بازرگانی، که تعداد آنها بسیار است، سرریا باید افشاء و لنگر گردد. همچنین باید به معصوده کلیه شرکتهای خارجی پرداخته شود، که بازرگانی خارجی ایران را در دست خود قبضه کرده و حتی تا نفوذ در دقایقهای سرحصل تسلط خود را بسط داده‌اند. کلیه ذخائر کالای کشور که از خارج وارد شده و می‌شود، باید بدون تأخیر در اختیار دولت قرار گیرد.

امر اخیر تنها از نظر مساعده قانونی شرکتهای بازرگانی خارجی ضرورت نیست. ضرورت این امر در لحظه کنونی بویژه از نظر جلوگیری از حیف و میل ذخائر کالایی و استفاده از آن در مقابل با تهدید امپریالیسم آمریکا به محاصره اقتصادی ایران ضرورت است. مگر مقامات دولت جمهوری اسلامی نینداندند که عوامل وابسته به امپریالیسم، بویژه اکنون که مبارزه حادی بین ملت ما و امپریالیسم در گرفته، سعی خواهند کرد از امر تسلط خود بر بازرگانی خارجی و ذخائر کالایی و اندانی سواستفاده نمایند و با گران فروشی و ایجاد بازاسیاه و احتکار کالا در میان مردم ایجاد عدم رضایت کنند و در این صورت چسبایی تجویز میکند که ملی کردن بازرگانی خارجی ایران باقی عنوان، که، و جنبه موجود و یک عمل موسیقی



امپریالیسم و بورژوازی عمده تجاری وابسته به آن در ایجاد اختلال در اقتصاد ایران بازگذاشته شود. تسریع در اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی ایران همچنین از نظر پایان دادن فوری بوضع کنونی ناسامان بازرگانی خارجی ضرورت است. باید در اسرع وقت به این وضع که بین واردات و صادرات هیچ تناسب معقولی وجود ندارد، خاتمه داده شود. باید هر چه سریعتر از طریق حذف واردات کالاهای لوکس و غیر ضروری و بخشی از کالاهایی که اقتصاد ایران در مرحله کنونی نیازمند واردات آنها نیست، رقم واردات به میزان قابل توجهی تنزل داده شود. باید هر چه سریعتر بازرگانی خارجی ایران از انحصار دول امپریالیستی درآید، به تسلط امریکایی بازرگانی خارجی ایران پایان داده شود، و در بازرگانی خارجی ایران در بازار بین المللی، بود بازرگانی بر این پایه کلیه کشورها، تغییر بنیادی ایجاد گردد. باید سرریا به اجرای آن اصولی در بازرگانی خارجی ایران پرداخته شود که ما امکان میدهد در برابر خرید کالا از خارج، بازارهای مناسب برای صادرات خود بدست آوریم. اجرای همه اینها مشروط به انجام اقدامات سریع در زمینه ملی کردن بازرگانی خارجی است.

بازرگانی خارجی همانطور که در زمان طاغوت امر عمده‌ای بود برای تخریب امپریالیست‌ها در اقتصاد ملی ایران، در شرایط دولت انقلابی میتواند و باید بتواند امر عمده‌ای برای مرمت فوری خرابی‌ها و نوسازی اقتصاد ملی بکار رود. اجرای سریع و بدون وقفه اصل ملی کردن بازرگانی خارجی از نظر خارج کردن اقتصاد ایران از گردونه اقتصاد مصرفی وابسته و قسر دادن آن بر روی اقتصاد تولیدی و مستقل و قائم بالذات ضرورت است. ملی کردن بازرگانی خارجی امر مهمی به منظور تسریع در رشد صنعتی کردن واقعی کشور، باید گسدهای رشته‌های مهم صنایع مادر، مکانیزه کردن تولید کشاورزی و تهیه بنیادی در خدمات بسود رفا کل جامعه بشمار میرود. ملی کردن بازرگانی خارجی همچنین از نظر از بین بردن سریع عدم تعادل در رشته‌های مختلف اقتصادی ضرورت است، که میراث شوم رژیم گذشته است و یکی پس از دیگری مشکلات گوناگون ببار آورده و می‌آورد. بالاخره اقدام سریع در زمینه ملی کردن بازرگانی خارجی از نظر تغییرات بنیادی اجتماعی، که مالانیت انقلاب و ارتقاء آن به مراحل عالیش و تشریف مواضع ضد انقلاب در گرو آنست، ضرورت است.

بر کسی پوشیده نیست که بورژوازی وابسته در کشور ما بطور عمده در امر واردات و توزیع کالا لانه کرده و کمپرا-دوره‌های تجاری از تسدیم الایام دشمنان شناخته شده انقلاب و استقلال سیاسی و اقتصادی ایران بوده‌اند. با ملی کردن بازرگانی خارجی باید مواضع بورژوازی وابسته را در امر بازرگانی به تصرف دولت انقلابی داد و بیگ معنی به معصوده نفوذ اولیه بازرگانی برداشت. نمیتوان به خاطر نداشتن که این نهاد اجتماعی در جامعه سرعت به اجرا درآید، می‌تواند بطور

از دورن به اینطرف عامل تسلط اقتصادی استعمار و امپریالیسم بر کشور ما بشمار میرود و هیچگاه با تلاشهای مردم ایران بخاطر کسب استقلال و پیشرفت واقعی اقتصادی-اجتماعی سرسازش نداشتند. اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، بر حل چنین مسئله مهم اقتصادی-اجتماعی منتهی است و آنوقت جای کمال تأمل است که با وجود تصویب قانون اساسی، اجرای این اصل همچنان در گرو اگر و مگر است.

۴ چگونه ملی کردن بازرگانی خارجی را تحقق بخشیم

ملی کردن بازرگانی خارجی، یعنی تمرکز تمام کلیه امور مربوط به بازرگانی خارجی در دست دولت، اشکال سازمانی و اجرای عملی ملی کردن بازرگانی خارجی و یا انحصار دولتی بازرگانی به تبع از قوانین و تصمیمات مهمی معین میگردد، که در زمینه خروج اقتصاد ملی از عقب ماندگی و تسریع در پیشرفت آن بر مبنای اقتصاد مهندسی (دولتی، تعاونی، خصوصی) در قانون اساسی تصویب شده است.

این اشکال سازمانی در لحظه کنونی بویژه باید متوجه پایان دادن به تسلط امپریالیسم و عوامل آن بر بازرگانی خارجی باشد و قاطع از تولید و بازار داخلی را در برابر سرسازش امپریالیستی دامنه فعالیت آن هدهنهائی که رشد اقتصاد ملی در برابر خود خواهد گذاشت و به تبع از ضرورت‌های دیگر، تغییر و تکامل خواهد یافت. اما آنچه امروز به هدفهای عمده بازرگانی خارجی است، به ملی کردن بازرگانی خارجی در دست دولت، نیاز قاطع داریم.

وظایفی که در شرایط کنونی در برابر سازمانهای اجرائی ملی کردن بازرگانی خارجی قرار میگیرد، میتواند صورت زیرین خلاصه گردد: - حفظ و تأمین منافع کشور در زمینه بازرگانی خارجی و معاملات مربوط به خرید و فروش کالا در بازرگانی جهانی، - مسرئمسر ساختن معاملات بازرگانی می‌بوی به خرید کالاهای وارداتی و فروش کالاهای صادراتی، - هماهنگ ساختن امر بازرگانی خارجی با نیازهای رشد سریع تولید صنعتی، کشاورزی و خدمات، - پاساژگونی بوقوع به نیازهای مربوط به واردات کالاهای استهلاکی تا زمانی که خودکفائی نسبی تحصیل نشده، - علمی کردن، مدنیزه کردن و اقتصادی نمودن امر بازرگانی خارجی، - کمالاتاً به ایزان ساختن معاملات بازرگانی و کویا ساختن دست واسطه‌ها، جلوگیری از فسارت، چپاول و احتکار در این زمینه اساسی از اقتصاد ملی منجر خواهد شد. - اختیاراتی که باید به سازمانهای اجرائی ملی کردن بازرگانی خارجی واگذار کرد، تا این امر مهم به درستی و سرعت به اجرا درآید، می‌تواند بطور

خلاصه شامل اموزدینین باشد: - اختیارات و صلاحیت انجام معاملات مربوط به خرید و فروش کالا در بازار بین المللی طبق نیازهای اقتصاد ملی با دست سازمانهای بازرگانی خارجی در بازرگانی داخلی تا حدیکه برای انجام عملیات بازرگانی خارجی مفید و ضرورت است باید بازگذاشته شود. - اختیار ایجاد سازمانهای مستقل و جنبی، که از حق معاملات بازرگانی در خارج و داخل برخوردار باشد، - تمرکز اختیارات مربوط به عملیات ارزی واردات و صادرات در صلاحیت سازمانهای اجرائی بازرگانی خارجی، - ایجاد سازمانهای نظارت بر معاملات خارجی و داخلی بازرگانی، - ایجاد سازمانهای آماری، برنامهریزی و نظایر آن، - با در نظر گرفتن وظایف و اختیارات مربوط به امر ملی کردن بازرگانی خارجی، ایجاد وزارت بازرگانی خارجی در شرایط کنونی ضرورت نظر میرسد. این وزارتخانه با ایجاد شرکتهای مستقل برای معاملات بازرگانی خارجی، که برخی از آنها اختصاصاً به منظور خرید ماشین آلات صنعتی و کشاورزی از خارج و فروش آنها در داخل ایجاد خواهند شد، (ضرورت است که این معاملات در داخل نیز در دست دولت متمرکز گردد)، همچنین ایجاد شرکتهای مستقل صادراتی برای اقلام مهم صادرات ایران نظیر قالی، پنبه، خشکبار و درآینده نفت و وظایف خود را انجام خواهد داد. طبیعی است که اشکال سازمانی و دستگاه اجرائی، که باید چنین وظایف مهمی را انجام دهد، متناسب با گسترش دامنه فعالیت آن هدهنهائی که رشد اقتصاد ملی در برابر خود خواهد گذاشت و به تبع از ضرورت‌های دیگر، تغییر و تکامل خواهد یافت. اما آنچه امروز به هدفهای عمده بازرگانی خارجی است، به ملی کردن بازرگانی خارجی در دست دولت، نیاز قاطع داریم.

میتوان پرسر طسورق اجرائی امر مهم ملی کردن بازرگانی خارجی و نحوه کار و تنظیم وضع سازمانی ارگانهای اجرائی این کار مهم، نظرهای متفاوتی بیان داشت. لیکن در آنچه به یقین همگان عقیده واحد دارند، اینست که: اجرای کارهای انقلابی را نباید به امروز و فردا موکول ساخت. ملی کردن بازرگانی خارجی، و بنوان یکی از اصول مهم، از تصویب قانون اساسی گذشته است. این وظیفه انقلابی بدون هیچگونه تاخیری باید به اجرا گذاشته شو

چرا مانع تشکیل کلاسهای آموزش نظامی میشوند؟

عده‌ای از مقامات مسئول، آگاهانه و بی‌آگاهانه، با تصمیمات خود ناهمگونی‌هایی را بوجود می‌آورند و عملاً مانع از تجهیز نظامی جوانان و مردم میگرددند.

یکی از گزاردشکران نامیتوسید، «اخیراً انجمن دانش آموزان مسلمان دبیرستان جاوید به ابتکار خود و در پیروی از فرمان امام اقدام به تشکیل کلاسهای آموزش نظامی در دبیرستان کرده‌است. این عمل که در نوع خود ستایش آمیز است، مورد استقبال شدید دانش آموزان دبیرستان جاوید قرار گرفت و دانش آموزان با اعلام آمادگی خود در شرکت در این کلاسها پیام رزمجویی خود را به آمریکای سلطه‌جو اعلام کردند.

متأسفانه این عمل انقلابی دانش آموزان با مخالفت اولیای امور فرهنگ و مسئولین دبیرستان روبرو شد و در نتیجه آموزش نظامی در این دبیرستان به تعلیق افتاد.

بدنبال این اقدام، دانش آموزان عضو انجمن، با انتشار اعلامیه‌ای، علل تعلیق کلاسهای آموزش نظامی را در سیاست‌های تنگ نظرانه آموزش و پرورش و مخالفت‌های مسدب دبیرستان و همچنین روش بعضی از افراد مسئول دیگر اعلام کردند.

بدیهی است چنین اقدامات غیر انقلابی توسط مسئولین امر، به هیچ صورت در خدمت و در جهت پیشبرد انقلاب نیست. کارشکنی‌هایی از این قبیل در جزو زعمجویی امر و کشور ما، فقط کمک به آمریکا و عوامل سرسپرده داخلی آنهاست. باشد که مسئولین، با درک موقعیت حساس کشور ما و مسئولیت خود، از تکرار این وقایع خودداری کنند.

کاخ بیدار بیدار کنیم

خانم حزب را کنیم آرا

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و یا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همسنگی و خلقی شرکت کنید.

کمک مالی خود را به نام رضاشاد کوی، شماره پانک ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ایرانشهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک تهران ممکن است. (۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

خانه حزب را بسازیم!

بنام نیمخاکپور نوزده اردیبهشت (اولین فرزند ما) مبلغ ۶۰۰۰ ریال برای کمک به خانه سازی حزب فرستاده میشود تا در سایه تلاش خستگی ناپذیر تمامی رفقا، همراه با عظمت روزافزون حزب توده‌ای ما، او هم بتواند درآینده به حزب خود و خانه‌اش افتخار کند.

رجب و سودابه

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می‌فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه‌های گوناگون برای «مردم» خبر می‌فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار، جز تکیه به اینکه فرستندگان اخبار و گزاردشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه به خوبی درک می‌کنند، امکان دیگری ندارد. ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه‌ای است که سول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار دقیق معین است موجب سوءتفاهم شود و نتایج ناگوار بسیاری دارد و نیز به عنوان اعتبار حزب لطمه می‌زند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند.

«مردم»

نمایشگاه بیاد دکتر قتی ارانی رهبر زحمتکشان ایران

۱۶ بهمن، سالگرد شهادت دکتر قتی ارانی، رهبر زحمتکشان ایران است. بدین مناسبت قرار است نمایشگاهی بیادین دانشمند اطلاعات خود را در اختیار دبیرخانه انقلابی شهید ترتیب داده شود. از همه کسانی که عکس یا اطلاعاتی درباره زندگی خصوصی و ادبی او دارند، خواهشمندیم که عکسها و اطلاعات خود را به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بفرستند. این نمایشگاه در تهران، خیابان ۱۶ آذر، در روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۲ تا ۵ بعد از ظهر به آماهد بود.

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان «هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته ضلع غیر بیادینک تهران، مراجعه فرست اینکار را ندارند، میتوانند در شهرستان نیز، دفاتر روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۲ تا ۵ بعد از ظهر به آماهد بود.

آقای سفیر ایران در انگلیس از سیاست حزب توده ایران «لجش» می گیرد!

مسجد برای مسلمانان مکان مقدسی است. حداقل در این مکان نباید دروغ گفت، تهمت نباید زد و توهین نباید کرد. مخصوصاً اگر گوینده بعنوان فردی مطلع، مسلمان معتقد و آگاه، جهت روشنگری در حضور جمع حاضر شده باشد. مافکر میکسیم مسئولیت چنین گوینده‌ای دوچندان میشود، اگر دارای مقام دولتی هم باشد.

این سخنرانی روز پنجشنبه ۲۹ آذر ایراد شده است. طبق برنامه از قبل اعلام شده میبایست دکتر چمران، که در یلاکاد بزرگی از سوی برگراند کننده مجلس «ناجی کردستان» معرفی شده بود، سخنرانی کند و به سوالات مستمعین پاسخ گوید، اما پس از ۴۰ دقیقه تأخیر اعلام میشود که دکتر چمران بدلیل گرفتاری نمیتواند در جلسه حضور یابد و بجای ایشان آقای دکتر افروز سفیر ایران در انگلستان سخنرانی میکند.

ایشان در یک سخنرانی آشفته (عین نوار این سخنرانی در دفتر «مردم» موجود است) ضمن تشریح نقش مذهب در انقلاب ایران، گریزی به نظر مارکس درباره مذهب زده و آنرا، طبق معمول این قبیل سخنرانان، تحریف کرده است. کار این نوع «استدلال» به آنجا میکشد که ایشان برخلاف تمام شواهد موجود، خطاب به مستمعین اعلام میدارد که، در کشورهای سوسیالیستی و شرق نیز مانند غرب، «جوه علیه انقلاب ایران است.

در حالی که اینک همه میدانند که موضوع اصلاً مهم نیست، زیرا اسناد ارتباط با سازمان سیا آمریکا از سوی آقای انتظامیان مأمور و نوع ارتباط و هدف از آن فاش شده و ضمناً صحبت بر سر «هر ارتباطی نبوده»، زیرا ارتباط مشخصاً با سفارت آمریکا و یک جاسوس سیا آمریکا بوده است.

آقای سفیر در میان صحبت خود ناگهان بیاد حزب توده ایران می افتد و بدون آن که موضوع مورد بحث ایشان کوچکترین ارتباطی با حزب توده ایران داشته باشد، میگوید:

«امیدوارم توده‌ای در این جمع نباشد، چون گاهی اوقات می آید در دانشگاه و میگوید، چرا اینجوری گفتی، بهر حال حزب توده کما قاتش معلوم است...»

گاهی اوقات تعریف میکند (منظور از انقلاب و امام است)، من لجم میگردد که از امام تعریف میکند، بتوجه مربوط است که تعریف میکنی، روی دیوارها میبوسد قانون اساسی را تأیید میکند، بی خود کرده، کافرانداخته در صندوق، ولی معلوم نیست آری بوده یا نه...

می بیند عدم احساس مسئولیت و تهدات هم از سوی یک مقام رسمی و در یک مکان مذهبی گاهی چقدر مضحک میشود!

ایشان از سیاست اصولی و انقلابی حزب توده ایران لجان میگردد، ولی از ضد انقلاب رنگارنگ اصلاً سخن بر زبان نمی آوردند.

ایشان تهمت می زنند، که معلوم نیست رأی حزب توده ایران به قانون اساسی مثبت بوده یا منفی!

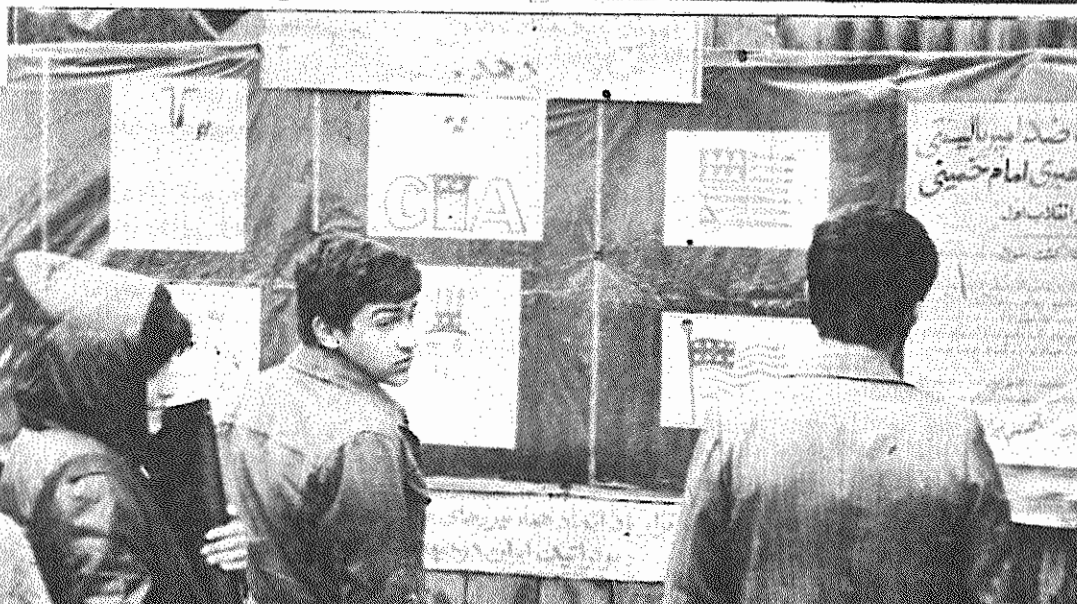
ایشان با جمله بی خود کرده، توهین میکنند، ایشان بدروغ مدعی میشوند که در کشورهای سوسیالیستی هم «جوه علیه انقلاب ایران است.

خوب، درباره یک سخنران عادی میتوان تصمیم گرفت که دیگر یادعوتش نکرد برای سخنرانی و یا پای صحبت نشست، اما درباره یک مقام مسئول، آنهم سفیر جمهوری اسلامی ایران در انگلستان، که کانون توجه باشد شاپور بختیار و اعوان و انصار رژیم شاه مخلوع است، چه میتوان کرد؟

با ایشان که از سیاست اصولی و انقلابی حزب توده ایران در پشتیبانی همه جانبه از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام لجان میگردد، با ایشان که با نادیده گرفتن همه اخبار و گزارشهای که در روزنامهها و مجلات کشورهای سوسیالیستی در پشتیبانی از انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی به چاپ رسیده و بارها و بارها در پشتیبانی قاطع تأستاه با سخنگویی به تهدیدات ملحقانه امپریالیسم امریکایی علیه ایران با اطلاع جهان رسانده شده و حتی از شبکه‌های خبری داخل ایران نیز پخش شده است، چه باید کرد؟

به ایشان که معتقدند موضوع امپریالیسم «مهم» است و «هر ارتباطی دلیل جاسوسی نیست» چه باید گفت؟

و بالاخره آیا وزارت امور خارجه اطلاع دارد که سفیرش نه فقط یک حزب اصیل انقلابی مانند حزب توده ایران، تهمت میزند، دروغ میگوید و توهین میکند، بلکه با انحراف نظر مردم از مبارزه بر ضد دشمن اصلی شیطان بزرگ امریکا - برخلاف خط امام حرکت میکند؟!



دیداری از نمایشگاه طرح‌های ضد امریکایی:

آبروی امریکار ادرا پیاده و حراج میکنند..

آمریکایی به سلطه اقتصادی امپریالیسم اشاره میکنند و با شعار «کالای آمریکایی تحریم نباید گردد»، بیننده را تشویق به انجام وظیفه ملی خود در اوج مبارزه ضد امپریالیسم مامی میکنند. در چند طرح آخر نمایشگاه و در واقع مناسبترین طرحها برای مرحله فعلی انقلاب، آخرین حربه امپریالیسم، یعنی تفرقه افکنی به نمایش گذاشته میشود، که در میان مشتهای گره خورده خلق در هم کوبیده میشود و با شمار «با وحدت و همبستگی، مرگ بر این امریکاه نوید پیروزی میدهد.

در روز اول نمایشگاه مردم اغلب با دیدن طرحها شاره‌ها را با صدای بلند تکرار میکنند و در پیاده‌رو دیگر جای عبور و مرور ندارند بود. این نشانه مؤثر بودن تلاش دانشجویان دمکرات دانشگاه ملی در برهنه شدن ساختن مردم از هنر مدعی است.

به استهزا گرفته میشود. در طرح «پرستش بول» شاهد پرچم شدن آژند سینه‌های داران آمریکایی هستیم، که در آن سرمایه دار در مقابل علامت دلار آژند زده و دعا میکند. این طرح با قطعه‌ای بنام «مذهب دلار پرستی»، از ایلیا ارنبورگ، کامل میشود.

طرح‌هایی که گویای در هم شکستن فول آمریکاست، با تکمیل پاروشدن پرچم آن، از هم پاشیدن پندهای استعمار پرست و گریختن ستاره‌ها و بیرون آمدن مشتهای گره کرده مردم از میان آن نشان داده میشود.

دو طرحی که با شمار «آمریکاه تو خالیست، و تنگم گواهیست» مشخص شده، با نشان دادن سرمایه‌های تهن دست و پای زخمی آمریکا، اندی دنی‌ترین طرح‌های نمایشگاه هستند.

طرح‌های لوازم بیدکی و کالای

بدلیل همین روشنی و سادگی توجه حتی به تفاوت ترین رهگذران را مجلب میکند. کسانی که برای تاز کردن خشم خود، سوی جاسوسخانه امریکه می آیند، در حالی که گوشه‌ایشان با صدای پر توان توده مردم و فریاد «مرگ بر امریکاه» پر میشود، به تماشا میایستند.

طرح‌ها با تصاویری از پرچم امریکه شروع می‌شود که در میان خطوط و نقاط رنگینش، ماهیت جنگ طلبی این امپریالیسم سلطه جو را به نمایش میکشاند. در طرح‌های بسیار زیبایی که به نمایش خصلت‌ها و پرستی امپریالیسم پرداخته، میبینیم که مدافع سر سخت «مقوق بشر» بدست مجسمه آزادش خلع‌پاره با بند میکشد.

در تصاویری که به بازگویی نقش امریکه و سگ‌های نجیری آن اختصاص یافته، سوموزها، انور سادات ها و ژنرال‌های دست نشانده‌اش

خطوط ساده آنها استنباط میشود.

اخبار دهقانی

هیئت جهاد سازندگی و گروهی از پاسداران: دور رفتار متفاوت با دهقانان گلدسته

آقای کریمی از گلدسته در نامه‌ای چنین نوشته است: «هفته پیش از طرف جهاد سازندگی شهری هیئت به سر پرستی آیت‌الله موسوی به گلدسته آمد، تا شورای جهاد سازندگی را در دوما تشکیل دهد. روش‌شایسته و پسندیده آیت‌الله موسوی و همدردی اعضای هیئت نسبت به دهقانان زحمتکش، موجب شکر و قدردانی همه اهالی گلدسته است.

اما در این جریان موضوع دیگری هم چشم خورد، که واقعا باعث تاسف عده‌ای از اهالی این قریه گردید و آن حضور بیدلیل عده‌ای پاسدار مسلح و برخورد غیربرادرانه آنها با مردم بود. اولاً آیت‌الله موسوی که برای تشکیل شورای جهاد آمده بودند، از وجود پاسداران و علت آمدن آنها به محل اظهار بی اطلاعی میکردند و میکشیدند هیئت با خود پاسداران نیارود است. ثانیاً تشکیل یک شورای جهاد سازندگی، آتمم از طرف خود اهالی ده، به یک گروه ۷-۸ نفری پاسدار مسلح احتیاج نداشت. لذا این سؤال مطرح میشود که: چه کسانی یا کدام کیمت‌های، بدستور چه کسی و برای چه منظوری در جریان برگزاری یک امر اجتماعی و ملی مسالمت‌آمیز پاسدار مسلح به ده فرستاده است؟

و اینک چند کلمه برادران پاسدار: برادران پاسدار خوب میدانند که در جریان مبارزه وسیع ضد امپریالیسم، که به رهبری امام خمینی رهبر انقلاب ایران علیه امریکا در گرفته است، ما دهقانان و پاسداران انقلاب بدوش بدوش یکدیگر باید با دشمن مشترک بجنگیم. حقیقتاً با خواهد، ما هم خود پاسدار انقلاب هستیم، پس چرا و بجهت شما پاسداران از- جان گذشته انقلاب چنین روش غیر برادرانه‌ای با برادران دهقان خود در پیش گرفتید؟ مگر با دشمن طرف بودید یا مگر دهقانان را بجای دشمن، بجای ضد انقلاب گرفته بودید؟ بسیاری از هم کاران شما پاسداران در مناطق دیگر یاور و همدرد دهقانان هستند. شما چرا اینطور کردید؟ این برخورد غیرمنتظره شما بصورتی بود که حتی زمانی که کار رای‌گیری در مسجد تمام شده بود، شما به حالت خیلی خشن از بیرون رفتن مردم از مسجد جلوگیری کردید.

ما دهقانان گلدسته در برخورد شما با خودمان آثار نوعی تربیت طاغوتی و انضباط خشن کوز دوران شاه سرنگون شده را به چشم دیدیم. برخوردی که یادآور هجوم سربازان شاه مخلوع به روستاها برای زحف متعاقب مالکان و غاصبان اراضی است. باری، در شرایط حساس کنونی و در مرحله مبارزه عظیم ضد امپریالیسم، که همه مردم ایران - علیه شیطان بزرگ در پیش دارند، تحت تأثیر عوامل ناآگاه و احمقان مفرض دوران رستاخیزی طاغوت قرار نگیریم. پیروزی و وحدت همه نیروهای ضد امپریالیسم! موفق‌یاد جبهه متحد خلق برای قلمین پیروزی بر ارتجاع و امپریالیسم امریکاه!

باز هم درباره دشت ارژن

در مورد درگیری و اختلاف روستای دشت ارژن، واقع در ۶۰ کیلومتری شیراز، جاده کازرون، که بازتابی از آن در شماره ۱۸ آذر و اول دی ماه روزنامه «مردم» انتشار یافته بود، مطالب جدیدی دریافت کرده‌ایم.

گزارشی که به «مردم» رسیده حاکی از آن است که دشت ارژن بیش از ۳۰۰ خانوار سکنه زمینهای آبی و دیمی زیادی دارد. درگیری در این جاییز بر پایه منافع مالک بزرگ بهیچانیا صورت گرفت. بدنبال یک اختلاف کوچک محلی، محمدحسین هاشمی، که خود را بازرس سپاه پاسداران میدانده، به محل آمد و عملاً برای حفظ منافع مالک اختلاف را دامن زد و از یک طرف جانبداری کرد. همین واقعه محلاً به آشوب کشید. روز ۱۶ آذر طی درگیری یک نفر هاشمی و چندین نفر با ساچمه و سنگ و چوب زخمی شدند. آقای هاشمی در این جریان ۱۷ نفر را توقیف و روانه زندان نمود و پس‌بنزین را تصرف کرد. علاوه خانه عده‌ای که زندان رفته بودند، مورد هجوم قرار گرفت.

آیت‌الله آقای سید عبدالحسینی مستغیب در ذیل سندی نوشته است که هاشمی از طرف ایشان مأمور قضاوت در روستا نیست. با این همه وی با چند نفر مسلح در ده دشت ارژن فعال است و بدست رفتاری با مردم مظلوم میکند. هم‌اکنون خانواده‌های زندانیان در شهر شیراز آواره هستند. خواست آنها این است که هاشمی که طرفداری او از مالک مشخص شده، دخالت نکند و پرونده بمقام صالح داده شود، تا قضیه روشن گردد. مسئله مالکیت زمین باید بسود دهقانان حل شود و تمام مناصب مسئول باید جدا پاکسازی گردد و مثلاً معلوم شود چرا کسی که مأمور قضاوت نیست، خود را بازرس سپاه پاسداران میدانده. باید روشن شود در این لحظه حساس چرا بعضی مقامات جانب ارباب‌را می‌گیرند و در خط دفاع از مستغیبین قرار ندارند.

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!



اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به تلاش برای تشنج زدانی وصلح ادامه میدهند

خبرگزاری تاس تأکید کرده که اظهار نظر پیرامون سخنان اخیر وزیر خارجه آلمان فدرال مبنی بر اینکه گویا ناتو در پیشتهادهای خود برای خلع سلاح جدی است، رسیده «آپا باید حرفهای این وزیر آلمانی را باور کرد» سخنان کارتر و هارولد ویران وزیر دفاع آمریکا را که گفته اند ناتو باید در دهه آینده برتری نظامی نسبت به کشورهای سوسیالیستی بدست آورده

انقلاب کامپوچیا برگشت ناپذیر است

قام وون دونگ نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام در مصاحبه ای گفت که انقلاب کامپوچیا غیر قابل بازگشت است و کسانی که برای تغییر اوضاع توطئه می کنند، در دریا بمیرند. وی اعلام کرد که مسئله کامپوچیا حل شده است، یعنی خلق کامپوچیا دوباره آزادانه زندگی می کند و سر نوبت و آینده خود را بدست خود گرفته است.

قام وون دونگ اضافه کرد که خلق کامپوچیا به پیش می رود و واحدی نمی تواند مانع پیشروی مردم کامپوچیا شود. نخست وزیر ویتنام سوسیالیستی گفت که اگر رهبران یکن کونیستهای واقعی بودند، روابط چین و ویتنام اکنون بگونه ای دیگر بود.

توطئه رژیم سادات، اسرائیل و افریقای جنوبی علیه خلقهای افریقا

رژیم سرسپرده انور سادات طرحی تهیه کرده است که بموجب آن مصر و اسرائیل مشترکاً علیه جنبش رهاییبخش خلقهای افریقا وارد صحنه خواهند شد. هدف مصر آن است که اسرائیل دوباره به افریقا بازگردد و موضوع گذشته خود را که برائت همبستگی و یکپارچگی امپریالیستی و ضد صهیونیستی مردم افریقا از دست داده بود، دوباره بیچنگ آورد. هدف نهائی اتحاد مصر و اسرائیل در افریقا سرکوب مبارزات آزادیبخش و منزوی ساختن افریقای سیاه از قسمت شرقی این قاره است. افریقای جنوبی نیز در توطئه شرکت دارد.

باند جنایتکاران سرنگون شده کامپوچیا از آمریکا تقاضای کمک کردند

بالاخره رژیم جنایتکار پول پوتینسکی ساری، که بر اثر قیام خلق کامپوچیا سرنگون شد، کاملاً تقاب از چهره خود درید. به گزارش خبرگزاریها با اصطلاح «سفر» این رژیم در یک سفر از آمریکا همراه تقاضای کمک که هر چه بیشتر به پاندهای جنایتکار پول پوتینسکی ساری، که علیه دولت انقلابی کامپوچیا مبارزه می کند، کمک کند. این بار هم مانند همیشه و مانند تبلیغات چیهای غربی، با اصطلاح «تهدید شوروی» علم شده است.

آمریکاهمچنان به مسلح کردن اسرائیل ادامه میدهد

عزرواژمن، وزیر دفاع اسرائیل، برای مذاکره با رهبران آمریکا وارد آمریکا می کند. در این مذاکرات کمکهای آمریکا به اسرائیل مورد بحث قرار می گیرد، قرارداد سال آینده آمریکا حدود سه میلیارد دلار کمک در اختیار اسرائیل قرار دهد. بیشتر این پول صرف خرید سلاحهای مدرن از جمله موشک، تانک و سلاحهای الکترونیک از آمریکا خواهد شد. آمریکادری اوضاع قرارداد خائنانه کمپ دیوید ارسال سلاح به اسرائیل را افزایش داده است.

اعتراض افکار عمومی در غرب به استقرار موشکهای تازه هسته ای در اروپای غربی ادامه دارد

اعتراض در کشورهای اروپای غربی به طرحهای نظامی ناتو در مورد استقرار موشکهای تازه هسته ای در اروپای غربی همچنان ادامه دارد. در روزهای اخیر در اسلوواریس تظاهرات بزرگی علیه این تصمیم برگزار شد. در پاریس حزب کمونیست با برگزاری یک اجتماع بزرگ به این تصمیم ناتو اعتراض کرد. یک میلیون تن از مردم یونان نیز با اعضاء طوماری اعلام کردند که استقرار این موشکها در اروپای غربی خطری جدی برای امنیت یونان است.

اشغالگران اسرائیلی در مناطق اشغالی عرب، مردم را بازداشت و مضراب میکنند

عبدالوهاد صالح یکی از مقامهای فلسطینی تسویه کورت والهام، دبیر کل سازمان ملل را به فعالیتهای صهیونیستهای اسرائیل در سرزمینهای اشغالی، که منافی با اصول اولیه حقوق بین الملل است، جلب کرد. این مقام فلسطینی گفت که اشغالگران اسرائیل دست به بازداشت جمعی ساکنان میزند، زمینها را غصب می کنند و بهانه های مختلف به دانشجویان و مدارس حمله می کنند. در هفته های اخیر اشغالگران اسرائیل بارها به مدارس و دانشگاهها در کرانه غربی رود اردن حمله کرده اند. در این حملات دهها تن از دانشجویان و دانش آموزان مجروح شده اند.

امپریالیسم آمریکا تلاش دارد مداخله نظامی احتمالی خود علیه ایران را با عقیم ماندن کوششهای «مسالمت آمیز» خود توجیه کند

پس از پیدایش بحران کنونی در روابط ایران و آمریکا، در رابطه با اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران از جانب دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ایالات متحده آمریکا برای رویارویی با این بحران و دستیابی به هدفی واضح، یعنی توجیه و ناگزیر جلوه دادن مداخله نظامی در ایران، دوشیزان را بکار گرفت. برآمدها سخن کارزار تبلیغاتی علیه ایران، که گویا ایران با اشغال سفارت یک کشور خارجی، و «گروگانگیری کارمندان» آن، که طبق موازین حقوق بین المللی از مصونیت سیاسی برخوردارند، این موازین و حقوق را نقض کرده است و بر این اساس «دادخواهی» از مجامع بین المللی برای احقاق حقوق پایمال شده دولت آمریکا»

واکنش محافل اجتماعی جهان و مجامع بین المللی نسبت به ادعای آمریکا و واکنش مطلوب و ارضاء کننده ای برای دولت آمریکا نبود، زیرا در این واکنشها خواست برحق مردم ایران در مورد استرداد شاه مخلوع، که از نظر مردم یک فرد جنایتکار و غارتگر شناخته شده و دولت آمریکا اورا پناه داده و از او حمایت میکند، نیز مورد توجه قرار گرفت.

از همان پیدایش این بحران، دولت آمریکا، همراه با کارزار تبلیغاتی، فشارهای اقتصادی خود علیه ایران را آغاز کرد: ناخانی ارزی ایران در بانکهای آمریکا و شعب آنها در دیگر کشورها با بدستور کارت مسدود گردید، خرید نفت ایران همزمان با تصمیم شورای انقلاب در مورد تحریم مسدود نفت به آمریکا قطع گردید، و آمریکا متحدین اروپائی خود در پیمان نظامی ناتو و همچنین ژاپن را زیر فشار قرار داد تا از سیاست آمریکا در جنگ اقتصادی علیه ایران و محاصره اقتصادی تبعیت کنند.

با اینکه این خواست و فشارهای آمریکا در متحدین اروپائی آن و ژاپن بی تاثیر نماند، اما بعقل مشکلات اقتصادی و ملاحظاتی سیاسی که هر یک از این کشورها دارند، این فشار هم نتوانست برای آمریکا نتیجه مطلوب را بدست آورد.

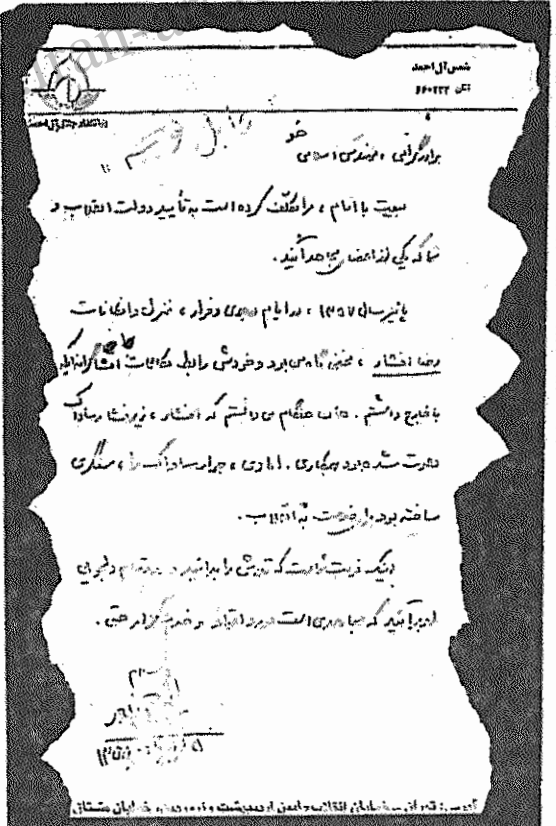
بدون کوچکترین دلیل: ۳ تن از هواداران حزب توده ایران در کرمانشاه دستگیر شدند

سه تن از هواداران حزب توده ایران از ۳ روز پیش بدون هیچ دلیلی در کرمانشاه دستگیر شده اند. اساس اخبار رسیده از کرمانشاه، روز شنبه چهارم دیماه پاسداران بدون هیچ گونه دلیل یا توضیحی، ۳ نفر از هواداران حزب توده ایران به نامهای بیژن آدمی، رضانظری و جواد تندی را دستگیر کردند.

اعتراض اهالی اسلام آباد به قطع برق

گروهی از اهالی منطقه اسلام آباد ضمن مراجعه به اداره برق یکی از نمایندگان این گروه اظهار داشته: «ما تاکنون چندین بار به (سابق) به قطع برق مداوم منطقه خود اعتراض کردند. این گروه در حالی که فریاد می زنند، قحطی برق ما توجیه به انقلاب است، خواستار رسیدگی برای ما بسیار ضروری است.»

توصیه شمس آل احمد برای یک ساواکی



سند بالا که به دفتر «مردم» رسیده است، یک بار دیگر نشان میدهد، آنها که با پانتهای کردن خود در زیر پرچم اسلام به جای مبارزه با «شیطان بزرگ» آمریکا، به کشورهای سوسیالیستی و حزب توده ایران دشنام میدهند، چه کسانی هستند. در این سند، دلیل تازه به میدان آمده، که گمان میکنند هیچکس از دشمنهای چارلی، و ادامه آن شها خبر ندارد، توصیه کرده است که یک ساواکی را آزاد کنند، تا «به مجاهدت در راه انقلاب ادامه بدهد»

چرا آیت الله خرنلی بر ضد خط امام سخن میگوید؟

آیت الله خرنلی، یکی از روحانیون اهواز است. وی چندی است که هر روز برای جمعی از مردم اهواز در مسجد، سخنرانی میکند و این سخنرانیها بلافاصله فردای آنروز، ساعت یک بعد از ظهر، از رادیو اهواز پخش میشود تا کسانی مردم اهواز نیز که از شنیدن سخنرانی محروم بوده اند، از مطالب مطرح شده در آن بیاموزند.

مسئولین رادیو اهواز آنقدر به این سخنرانیها اهمیت میدهند که برنامه «باقر آن در صحنه» را نیز، که با شرکت امام تنظیم شده است، و قرار بود در روز چهارشنبه ۵ دیماه بین ساعات ۱ و ۲ از صداي جمهوری اسلامی ایران پخش شود، حذف کردند تا سخنرانی آیت الله خرنلی را بجای آن پخش کنند.

اما آیت الله خرنلی چه میگوید که مسئولان صداي جمهوری اسلامی ایران در نشر آن ایتقدر پیگیر و کوشا هستند؟ آیت الله خرنلی در سخنان خود از انقلاب بسیار تمجید میکند و امام و رهبری آنرا بسیار ستايد که بجای خود بسیار خوب است، اما «تو ما صحبت بر سر این «اما» است - آیت الله خرنلی: «ممنون» است که، «چرا ایتقدر به پر و پاچه کار تو و آمریکا می چسبند؟!»، «دانشی» است از اینکه میگویند، «دانش باید پاسکازی شود!» و مدعی است که به «تجربهای سران ارتش شاهنشاهی، نیاز فراوان وجود دارد»

آیت الله خرنلی با پاسکازی مخالف است و توصیه میکند که زمینها را از زمینداران بگیرند، چون آنها «ممکن است خودشان بخواهند زمینها را بکنند» و اعتراضات، توصیهها و نظریاتی از این دست.

اینکه اکنون تمام کسانی که میخواهند انقلاب را از مسیر اصلی خارج سازند، از مستکبرین در قبال مستضعفین دفاع می کنند و میکوشند آمریکا را در ایران آرزوی شر به خارج سازند، تمجید و تحسین بر نمی انگیزد. ولی اینکه صدای جمهوری اسلامی ایران، که باید از خط امام پیروی نماید، نظریاتی مخالف خط امام را با پوشش «اسلامی» و «انقلابی» بخورد مردم بسازند، هم تمجید برمی انگیزد و هم تأسف آور است. مسئولین امر باید از اینگونه اعمال خلاف و غیر انقلابی، قاطعانه معاندت کنند.

اخراج از دبیرستان به جرم پخش اطلاعیه

مسئور دبیرستان مصطفی خمینی مشهد چند دانش آموز را به «جرم» پخش اطلاعیه های سازمان مجاهدین خلق از دبیرستان اخراج کرد. به دنبال اخراج این دانش آموزان، گروهی از دانش آموزان این دبیرستان در مقام اعتراض به عمل رئیس این مدرسه، ضمن صدور اطلاعیه ای، عمل رئیس دبیرستان را محکوم کردند و آن را غیر انسانی خواندند. در اطلاعیه این دانش آموزان، ضمن اشاره به یکی از سخنان امام خمینی، در مورد لزوم گسترش حملات همه اقشار علیه آمریکا، تأکید کرده اند که ملت ایران ۷۰ هزار شهید نداده است تا همان جوی را بخورد که در زمان طاغوت می خورد.



کارگران رزمنده، دیروز در تظاهرات پرشکوهی در سراسر کشور، خواستار ادامه افشاکریهای دانشجویان پیرو خط امام شدند، عکس، گوشه کوچکی از ارتش پرتلاز را در برابر جاسوسخانه نشان میدهد

بقیه از صفحه ۱
مانند عیان امیرانظام که متأسفانه ما خواهان ادامه افشاکری در دولت هم نفوذ کرده بوده‌اند، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام می‌باشیم و باید برای آنها مجازات دربارہ عمال و جاسوسان امریکا هائی حتی شدیدتر از عمال رژیم و محاکمه‌علنی و انقلابی‌مزدورانی پیشین در نظر گرفته شود.

تظاهرات دهها هزار نفری کارگران در سراسر کشور...

شبهات‌های ناگزیر...

روزهای مقدس محرم استفاده کند و دتر زین نظام مردمی جمهوری واقعی اسلام را فرود باند، ایدئولوژی سیاه ارتجاع را بخورد شما بدهد. (جبهه آزادی، ۲۴ آبان)
«هجوم اوپاش وی به سفارت امریکا تنها راه گریز وی بود. باید دید هاراسوی یک دشمن بزرگ «متوجه ساخت» اندیشه‌ها را سر- گرم نمود، شکمهای گرسنه را با نوید آینده سیر کرد، چسب هائی را که میرفت از نور کاذب و خیره‌کننده دنیای رویاها به جهان واقعیت بازگرداند، همچنان قربانی گردن پیچ دیگری از نمایشنامه «کسیک‌درام» هجوم به سفارت امریکا تلاشی بود مذبحخانه در این راه.»
(آر، آر، ارگان ضد انقلاب در خارج از کشور، که توسط ساواگرا و طرفداران اختیار در پاریس منتشر میشود و در کنار تحلیل بالا خبری دارد با این تیر: «یادشید جاوید سرلشکر خسرو دادله»

در بیکار بین خلق و امپریالیسم آنها دلیل ایرانی بودنشان در صف خلق قرار خواهند گرفت، بازم بر کرده مردم دلیر ماسوار شود تا یکبار دیگر از گسترش مبارزات مردم‌جنگی‌گری نمایند... (اعلامیه شماره ۱۶ چریکهای فدائی خلق ایران- گروه اشرف دهقانی)
«کسانی که چند روز پیش راه پیمائی ضد امریکائی عید قربان را نرسیده به سفارت امریکا تعطیل میکنند، حالا به شکلی عوام‌فریبانه از اشغال سفارت پشتیبانی می- کنند.»
چرا؟ چون: «روحانیت که قدرت اصلی را در دست داشت و به آسانی حاضر نبود دست از امتیازاتش بردارد، در کمین فرصت نشسته بود و اینک با حربه عوام‌فریبانه مبارزه با امریکائیت کاری را بر رقیب فرود آورد، روحانیت میدانند نظر ما نرفت انگیز است، از فرصت استفاده کرد و با انگ دوستی! با امریکا حریف خود را پس راند.» (دانشجویان هوادار راه

راه پیمائی ضد امپریالیستی کارگران در تبریز

هزاران نفر از کارگران تبریز دیروز به دعوت اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی اسلامی کار-کنان شرکت‌های تابعه و موسسات وابسته به سازمان گسترش و توسعه سازی صنایع ایران برای محکوم کردن امپریالیزم امریکا دست به تظاهرات و راهپیمائی وسیعی زدند.

در این راهپیمائی که کارگران کارخانه های ماشین سازی، تراکتور سازی، یستون سازی، قالیبافی و چندین کارخانه دیگر در آن شرکت داشتند. کارگران فریاد می‌زدند:

خسینی رهبر ماست،
آمریکا دشمن ماست
سازشکار، سازشکار، نوکر
آمریکائی
کارگر، کارگردشمن آمریکائی
صنایع وابسته ملی باید گردد،
امپریالیزم خونخوار نابود باید گردد.

این کارگران سپس در مقابل کنسولگری امریکا اجتماع کردند و با صدور قطعنامه‌ای توطئه‌های امپریالیزم امریکا را محکوم ساختند.

سومین شماره

دنیای منتشر شد

در این شماره:

- پیش سوی جبهه متحد خلق.
- «اقتصاد اسلامی» از دیدگاه آیت‌الله سید محمود طالقانی.
- ضرورت تحول بنیادی در نظام پولی و ارزی کشور.
- شورای انقلاب در برابر وظایف بزرگ.
- برابری حقوق زنان و انقلاب بزرگ‌ها.
- بازگانی خارجی ایران باید دگرگون شود.
- ... و مطالبی دیگر...

آقای گریبان!

چند روز قبل، انورالسادات (یعنی نورانی‌ترین آقایان!) بر صفحه تلویزیون فرانسه ظاهر شد. با او مصاحبه می‌کردند. ظهور «نورانی‌ترین آقایان» بر صفحه تلویزیونهای غربی تا زگی ندارد. مخصوص از آنروزی که شخصاً به اسرائیل تشریف بردند و با آن «نور» مخصوص خودشان چشم تمام امپریالیستها و صیویولتسها را روشن کردند، با بگین دست در آغوش شدند، بوسه دادند، بوسه گرفتند، به پارلمان اسرائیل تشریف بردند، پشت به خلقهای عرب و روی به کمپدیوید آوردند و سر در دامان مهر کارتر نهادند. آری، از همانروز دیگر «نورانی‌ترین آقایان» یکی از «چهره‌های معروف» تلویزیونهای غرب شد.
اما همه آن جلوه‌گریها، بیکطرف و این جلوه آخری، در تلویزیون فرانسه بیکطرف. انورالسادات اینبار در جلوی دوربین، برای بینندگان غربی گریه کرد! البته نه به تقاضای آنها، بلکه کاملاً داوطلبانه، گلوله گلوله اشک ریخت. فکر میکنید چرا؟
در اثر ندامت از افسانه قرارداد کمپ دیوید و خیانت بخلق مصر و خلق فلسطین و تمام خلقهای عرب و تمام مستضعفان جهان؟
بخاطر شهیدان خلق فلسطین، که در نبرد برای آزادی میهنشان جان میبازند؟ بخاطر کودکان آواره و برهنه فلسطینی؟
بخاطر کودکان قطعه قطعه شده در زیر بمبهای اسرائیلی؟ یا به خاطر بیماران آواره و در بیدر فلسطینی؟ نه!
او فقط بخاطر یک «بیمار» گریست! بیماری در بیدر در غربت و رو بزمک، که حتی بر لب گورنیز آرامش نیگذازند. بهر کجا پای می‌نهد، هزاران نفر با فریاد خشم و پرخاش خواستار اخراجش از آن خاک و خطه میگردند، خواستار محاکمه «بیمار» میشوند، خواستار تیربارانش میگردند! آری، سادات برای این «بیمار» گریست! میدانند این بیمار کیست؟ محمدرضای مخلوع است!
و میدانید «نورانی‌ترین آقایان» چرا گریست؟ چون مسلمان است! تعجب نکنید! خودش اینطور میگوید. و میدانید بزرگ‌نورالسادات، چه کسی مسلمان نیست؟ امام خمینی!
سادات در تلویزیون فرانسه، در این مصاحبه، گفت: «یا خمینی مسلمان است و یا من. آخر مگر مسلمانی اینست که مریضی را اینهمه تحت فشار قرار دهند؟»
خیر قربان! چه فرمایشها؟ ملاک «مسلمانی» شما همین است که خودتان فرمودید: اشک و آه برای محمدرضا و البته چند نفر دیگر چون بانیست، سوموز، هایل سلاسی، پارکینسون، پولیوت، سرهنگان یونان، فرانکو، کای قانوی، موسولینی و بالاخره هیتلر- از قلم نیندازیم - و البته آقایان کارتر، راکفلر، کیمینجر، رزینسکی، بگین، و خود شما هم که تاج سر همه این «آقایان» هستید، چون «نورانی‌ترینشان» هستید!
و آن میلیونها انسانی که بدست این افراد در شکنجه، گناه، زندانها و میدانهای جنگ از پای درآمدند یا شهید شدند، همه «گناهکار» بی «دیانت» و «نامسلمان» بوده‌اند، علی‌الخصوص آنها که عدای از این «رجال با ایمان» را بزرگ فرستاده‌اند! مگر میشود این «معصیت» را نادیده گرفت؟ تمام آن کسانی که در برابر «این افراد مومن» پایخیزند و بخواهند اینها را هم بسر- نوشت «محمدرضا» دچار کنند، از جمله جابعلی‌آقای بگین را- همه هم «گناهکارند» و هم «نامسلمان».
با اینها چه باید کرد؟ باید ناخپشان را کشید. باید روی اجاقی برقی کبابشان کرد. باید با دستبند قهائی قفسه سینه‌هایشان را خرد کرد. باید از هلیکوپتر بدریاچه‌های نمک‌فرواندختشان. باید «هنگام فرار» تیربارانشان کرد و همه اینها برای اینکه صدمه‌ای بامپریالیسم نرسد و به «ایمان» شما به آن خسته وارد نیاید. تا سر صیویولیس سلامت بمانند و از دولت سر آن، شما در راس «دولت» قرار گیرید و بتوانید چون «محمدرضا» ادعای «مسلمانی» و «اسلام‌پناهی» کنید!
ولی ای «نورانی‌ترین آقایان»، جای مبری که بر پیشانی شماست، شاید ایلپان را فریب دهد، اما خلقها هشیارند. آنها هم شما را می‌شناسند و هم امام خمینی را! آنها هم اسلام شما را می- شناسند هم اسلام امام خمینی را. آنچه شما «اسلامش» مینامید، به آغوش بگین و دامان کارتر ختم میشود و آنچه امام خمینی اسلام میدانند، در خط امام که ضد امپریالیستی و خلقی است، منعکس میشود. و برای این خط ضد امپریالیستی و خلقی است که خلق ما می‌رزمند، علیه ارباب شما که امریکاست، و نوکرش که خود شما باشید.
ورطه بزرگی است بین این دو جهان، اینطور نیست آقای گریبان!

فعالیت ضد انقلاب برای متوقف کردن تولید کارخانه سیمان رود

ضد انقلاب در کار تولید سیمان کارخانه درود اخلال میکند و با اقدامات مختلف می‌کوشد سیمان‌ها را غیرقابل مصرف سازد و در نتیجه عملیات ساختمانی خانه‌سازی را متوقف کند. مسئولین امر باید هر چه زودتر با انتشار اسامی افراد ضد انقلاب و وابسته به رژیم و اخراج آنان کار را بصورت عادی عودت دهند.
شرکت‌های گیلپارو سیمان رودی دو شرکت ساختمانی هستند که در رژیم گذشته قراردادهایی جهت ساختمان خانه برای کارگران کشت و صنعت خوزستان منعقد کرده بودند که قسمت اعظم این طرحها انجام گرفته و طرح مراحل آخر خود را میگذراند. شرکت‌های خانه‌سازی سیمان مصرفی خود را از کارخانه سیمان درود خرم آباد تأمین میکنند. از چند ماه پیش با نظرف عناصر ضد انقلاب مشکوکانه در سطوح بالای کارخانه هم قرارداد دارند، بنابراین مختلف سعی میکنند اجرای طرح را بعهده تعویق اندازند و با توقف آن باعث تعطیل کارویکاری کارگران گردند و در نتیجه ناراضی بین آنان را فراهم آورند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان اران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشر در حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیع‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبوم انقلابی است.

کارگران کارخانه نساجی شماره ۲ قائم‌شهر خواهان بازگشایی شرکت تعاونی خود هستند

چندی پیش مقداری از اجناس شرکت تعاونی این کارخانه بوسیله یکی از مسئولین آن به سرقت می‌رود و این امر بوسیله شکمیان دقیق وجدی کارخانه کشف می‌گردد. به دنبال این عمل، به بهانه تعیین میزان اجناس سرقت‌شده، مدتی است که تعاونی کارخانه را تعطیل کرده‌اند. در حال حاضر که اجناسی از قبیل پودر رختشویی، ماپون، روغن نباتی در بازار کمیاب است، تعطیل تعاونی فشار زیادی به کارگران وارد می‌آورد و آنان می‌خواهند که هر چه زودتر «فروش اجناس» در تعاونی از نو شروع شود و نیز برای جلوگیری از تکرار این گونه عملیات، اداره تعاونی به خود کارگران واگذار کرد.

روستائیان تاخیر در کشت زمین را به نفع آمریکا می‌دانند

در ناحیه زرقان فارس زمینهای وسیعی وجود دارد که متعلق به اوقاف است. این زمینها را امروز بنیاد مستضعفین شیراز جهت کشت اجازه می‌دهد. عدای از اهالی زرقان، ۱۴ سال پیش، قسمتی از این زمینها را به طریق دیم می‌کاشند و از سهم کم، یک سهم به اوقاف تعلق می‌گرفته است. بند شاهپور فلان را می‌توانیم این زمینها چنگ می‌اندازد و تنها قسمتی از این زمینها را کشت میکند. به قول یکی از روستائیان «مثل خانه‌ای که ۱۰۰ اطاق داشته باشد و فقط از یک اطاق استفاده کنی»، بقیه زمینها را بی‌مصرف باقی میگذارد. و این روستائیان نیز دیگر نمی‌توانند کشت کنند. بعد از انقلاب، آنها مجدداً برای شروع کار به بنیاد مستضعفین مراجعه کرده‌اند و می‌گویند چهارماده است که برای شروع کشت دوی این زمینها دوندگی میکنند. یکی از مسئولان بنیاد به آنها گفته است که آنها می‌توانند روی زمینهای ناحیه بشار کشت کنند، در حالی که زرقان محل سکونت آنها و نزدیک به آنهاست.
روستائیان چهارماده دوندگی را برای کشت روی زمینهای که سابقاً نیز روی آنها کشت کرده‌اند، در شرایط حساس کنونی به نفع آمریکا می‌دانند.

یک هکتار زمین نباید بی کشت باقی بماند

حدود ۳۰۰ نفر از خوش‌نشین «مظفری‌گوار» می‌خواهند هر چه زودتر تکلیف هزاران هکتار زمینهای متعلق به عزیزالله خان قوامی مشخص شود و به آنها اجازه کشت روی زمینها داده شود. روستائیان می‌گویند: حالا که گفته‌اند در مورد تصرف زمین دست تکبندارید، ما از طریق قانون عمل کرده‌ایم و می‌دانیم که در شرایط حاضر نباید حتی یک هکتار زمین بی کشت باقی بماند. حرف آنها حق است. زمینهای اربابی، همانطور که در برنامه معاون وزارت کشاورزی اعلام شده، باید به دهقانان بی- زمین داده شود، تا ضمن احقاق حق مسلم آنها، کشور از تولید کافی برخوردار گردد.

طاغوتیان جانی پس از انقلاب هم جایی و نفوذی در محاکم و مراجع دارند

دهقانی از ظهیرآباد شهری نام‌ای به سازمان بنیاد مستضعفین نوشته. در روایتش از آن که به «مردم» رسیده است و زیر آن اثر انگشت دهقان مزبور دیده میشود، چنین میخوانیم: «اینجانب ابوالقاسم خدایاری، فرزند محمد، ساکن ظهیر-آباد شهری، با همتسر عائله تحت تکفل خود، سالها است که از طریق کشاورزی امرامعاش میکنیم. ولیکن مالک زمین مزدوری من و تعدادی کشاورزان محروم، مردی چپار و از خدایان خیر می- باشد، که حاصل زحمت ما را به بیغما میبرد و خود را ارباب ما مینماید و درآمد حاصل را میبرد و مقداری تاجیز بعنوان صدقه بما میدهد که حتی شکممان سیر نمیکرد.»
قریب بیست و پنج سال است که بحال میگذرد از این بی‌عدالتی. در زمان طاغوت معلوم است که چگونه عمل مینمودند، ولی در دوران انقلاب پرشکوه اسلام هم این طاغوتیان جایی و نفوذی در محاکم و مراجع یافتند و خود حلال مشکلات گردیده‌اند. و این چقدر نارواست تحملش. نمونه‌اش صاحب‌زمین ما، که زمینهای مزدوری را بقطعات فنکیک و باقیمت‌های سرسام‌آور بمرم بریزد تا تحصیل مینموده و مینماید. امید ما گامی خیرتان در جهت بهبود این نابسامانیهاست.»

توس ضد انقلاب از تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی

موضوع تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی به شدت آمریکا و عوامل وابسته به آن را نگران ساخته است. به همین دلیل عوامل آمریکا در داخل کشور دست به تحریکات مختلف زده و سعی کردند از شکل گیری چنین ارتشی مانع به عمل آورند. بر اساس اطلاع رسیده در هفته گذشته چند نفر قصد حمله به کمیته شماره یک و خلع سلاح یکی از افراد این کمیته را که ضمتا کار آموزشی نظامی در مسجد ولی عصر (تریز) را نیز به عهده دارد داشته اند. در آن هفته همچنین افراد ناشناس به کمیته شماره یک تلفن کرده و تهدید کرده اند که اگر آموزش نظامی قطع نشود، مسجد محل آموزشی نظامی متفجر خواهد شد.

بازگشتها ملی شدند، ولی اعطای وام به مردم هنوز تابع ضوابط طاغوتی است.

کسب اربابان از مناطق نفت خیز ایران است. در این شهرستان خانه های شرکت نفت از دیگر محل های مسکونی جداساز و کلیه زمین های منطقه به فئودال بزرگ یعنی منصوربانی تعلق دارد. این شخص که در دوران رژیم گذشته صاحب نفوذ کامل بود، زمین ها را دو کالبی می فروخت و با انواع وسایل مانع از آن شد که مردم زمین های خود را به ثبت برسانند. به این ترتیب، در حال حاضر، اکثر خانه ها فاقد سندیتی هستند. بانک ها هم در گروه سند ثبتی خانه را می دهند، در حالی که بروی هم ۰/۵ خانه ها چنین سندی دارند.

کسبه خرده پای شهر نیز پس از انقلاب با مشکلات تازه ای روبرو شده اند. تاجران فقط به فروشنده گانی بطور اعتباری جنس می دهند که سرمایه قابل توجهی داشته باشند. این کسبه از وام بانکی هم بهره مند نمی شوند، زیرا حداقل باید ۳۰۰ هزار تومان داشته باشند. در حالی که بیشتر کسبه چنین دست مایه ای ندارند. مسئولان امر باید با رسیدگی سریع به مشکلات پیشه واران و کسبه از جمله با اداره انقلابی بانک ها و دادن وام با شرایط مناسب، از طرفی به امر توزیع کالاها و مصرفی یاری رسانند و از طرف دیگر در این محدوده نیز دست ضداقلاب را از هست و نیست مردم زحمتکش کوتاه کنند.

مختصر شد گنومات (نمایشنامه تاریخی) احسان طبری

فرم ارگان مرکزی حزب توده ایران خیا بان ۱۶ آذر شماره ۶۸ تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۵۹ چاپ، کلانان MARDOM No. 128 27 December 1979 Price: West - Germany 0.80 DM France 2 fr Austria 8 sch. England 20 P. Belgium 10 fr. Italy 350 L. USA 50 Cts.

دادگاه انقلاب اسلامی رشت به کار خود درباره محاکمه مسبین حادثه خونین زندان رشت در سال ۱۳۳۳، که منجر به شهادت پنج زندانی توده ای، پنج سیمای درخشان شد، پایان داد. این پنج تن عبارت بودند از رفقا، قتی اقدام دوست، محمد قتی محبت خواه، سبزه علی محمود پور علی، علی بلندی و هرمز نیکخواه.

قاتلان به حبس ابد و از ۲ تا ۱۵ سال زندان محکوم شدند. ماسدور این حکم عادلانه را درباره قاتلان رفیقان سرفراز خود به دادستان دادگاه انقلاب اسلامی رشت تهییت می گویم. ما بی غرضی، بی نظری و عدالت خواهی قضات دادگاه را می ستایم. ما با مسرت اعلام می کنیم که این نخستین بار است که قاتلان توده ای ها به کیفر اعمال جنایتکارانه خود می رسند. اما این نخستین بار نباید آخرین بار باشد، با آن دلیل که آن پنج تن، تنها توده ای های شهید نبودند. قبل از آنها و بعد از آنها، توده ای های بسیاری به دست دژخیمان محمدرضا، چه در راه پیمای ها، چه در شکنجه گاه ها و چه در میدان های تیر به شهادت رسیده اند، که اکنون در دوران پیروزی انقلاب مردمی ما، قصاص خون خود را می طلبند.

ما خواستار محاکمه قاتلان و شکنجه گران توده ای ها هستیم

اردشیر زاهدی، عده ای از افسران عالی رتبه، جمعی از وزیران، نمایندگان مجلسین و روزنامه نگاران، چون مظفر یقانی و علی اسفندیاری، در آن شرکت داشتند، و آغازی برای ارتکاب هزاران جنایت شد. توده ای ها نخستین قربانیان این فاجعه بودند. سدها اشرف توده ای روانه شکنجه گاه ها شدند. بهترین کادرهای حزب دستگیر و روانه زندان شدند. بیش از سی نفر توده ای تیرباران شدند. رزمندگان دلیری چون وارطان و کوچک شوشتری نخستین قربانیان اطفاهای شکنجه بودند. توده ای های نظیر جهانگیر باغدادیان در کوچه و معبر آماج گلوله جلاخان فرمانداری نظامی قرار گرفتند. با تشکیل ساواک، این هدیه سیاه به محمد رضا، این دستگاه ایجاد رعب و ابز ارتش شکنجه های حیوانی، جنایت و آدم کشی، باز عده ای از توده ای ها زیر شکنجه شهید شدند.

در میتینگ ها و راه پیمای های سال های ۱۳۲۱-۱۳۲۵ در سراسر ایران، در جریان حوادث آذربایجان و کردستان (سال ۱۳۲۵)، هزاران توده ای مؤمن دست مزدوران شاه مخلوع به قتل رسیدند. میتوان با مراجعه به پرونده های آن سالها ادارات ارتش، شهری و روستا نامردی مسبین این کشتارها را یافت و به کیفر رساند. پس از بهمن سال ۱۳۲۷ و اسلام دغیر قانونی، یون حزب توده ایران، تا کودتای ۲۸ مرداد، سدها توده ای در میتینگ ها و راه پیمای های تهران و شهرستانها دست کارگران جنایت پیشه شاه مخلوع و احزاب دست نشانده سیاه و از جمله حزب سومگه و حزب زحمتکشان، دکتر یقانی مقتول شدند. باید آن پرونده ها را یافت و مجریان را به عقوبت رساند. مهتر ازهره رسیدگی به پرونده کودتای خائنه ۲۸ مرداد، عاملین و مجریان آنست. حادثه تنگینی که در مین ما از شاه مخلوع تا

نمایشگاه عکس مبارزات خلقها علیه امپریالیسم در قزوین



از روز سه شنبه ۲۴ آذر ۵۸۱ با کوشش دانشجویان هوادار حزب توده ایران در انستیتو تکنولوژی و دانشگاه همدان قزوین، نمایشگاه عکسی با عنوان «مبارزات خلقها علیه امپریالیسم آمریکا» برپا شده است. استقبال مردم از این نمایشگاه چشمگیر بوده است، بسیاری از مردم به علت تراکم جمعیت موفق به دیدن تمام نمایشگاه نشده اند. گروهی از روستائیان پس از دیدن این نمایشگاه خواستار شدند که این نمایشگاه در روستاهای آنان نیز به تماشا گذاشته شود.

باز هم هشدار درباره دزدان اندیشه و ناشران جاعل

بیشتر می برخی از ناشران را، که در پی پول بیهوش کارناشایست دست میزنند، مرزوبایانی نیست. چقدر اسفناک است که عطش پسندیده هم میهنان ما به خواندن و دانستن، ملعبه مشتی سوداگر بشیرم قرار میگیرد و دانش و فرهنگ در چنگال این پول پرستان، از راه قلب و جعل، بوسیله ای برای دوشیدن توده کتابخوان بدل میشود. این دزدان عقل و اندیشه حتی ابا نمی کنند که به کتاب در حال صحافی دستبرد زدن و آنرا صاف و ساده از چاپخانه بربایند تا خود آنرا تنهایی بیچاپ رسانند و به سرعت بفروشند.

دزدیدن آثار و ربودن فکر و قلب روان و تسلط مسلکی دیگران شیوه رایج این ناشران سوداگر است. از آنجا که کتب مترقی علمی و ادبی و آثاری که چاپ و انتشار آنها در رژیم منحوس سلطنتی جز ممنوع بود، خریداران بسیار مشتاقان فراوان دارند، دزدان اندیشه مخصوصاً باین گونه کتب «توجه ویژه» میندول میدارند. سرقتهای انتشاراتی در اغلب اوقات ناظر باین گونه آثار است. و بالاخره از آنجا که حزب توده ایران نزدیک به چهل سال است امتحان خود را در جامعه مادامه و از اعتبار و حیثیت انکار ناپذیری برخوردار است، آثار متعلق به نویسندگان وابسته به حزب و نام آنها، بخصوص در معرض دستبردهای بیشترانه این قبیل دزدان قرار میگیرد. ما بارها و بارها نمونه های این سرقت بیشترانه را یادآوری کرده و علیه این شیوه ناجوانمردانه اعتراض نموده و به مقامات صالحه نیز برای رسیدگی و احقاق حق مراجعه کرده ایم - که متأسفانه باید بگوئیم تاکنون از نظر تقبیل و مجازات ناشران دزد، به نتیجه ای نرسیده است. دزدی و چاپ غیر مجاز آثار و روشی افساد فاجعه آمیز بخود میگرد که نه فقط بدون اجازه مولف، اثری چاپ میشود، بلکه با اثری که اصلاً مال نویسنده مربوطه نیست، تنها به خاطر سوء استفاده از نام و شهرت و تعلق سازمانی نویسنده مربوطه، به نام وی چاپ میشود و بفروش میرسد با مطالب و بخشهایی از طرف فرد یا افراد مغرض و یا ناآگاه و بکلی غیر مسئول به کتاب سابقاً چاپ شده ای، اضافه و باز بدون اجازه منتشر میشود.

نمونه فبیح و تازه این شرکد سوداگری که کتابی است با جلد سرخ و سیاه با نام «واژه های سیاسی» و در داخل پراکنش (واژه های سرخ...)، در پشت جلد، مولفین گویا عبارتند از امیر نیک آیین و خورشید روزه و مسعود معنوی... (چند نیتله) در داخل، مولفین عبارتند از امیر نیک آیین و خورشید روزه، با این زیر نویس: تهیه و

برای شهیدان ۱۶ آذر

بایک سبد شقایق...

سه شهر، سه شاهییت، سه استعاره ناب، سه آفتاب.

اینک غزل چگونه بپاخیزد؟ اینک کلام موزون با نامتان چگونه در آمیزد؟

در طول شب همواره طنین انداخت فریادتان، رسا. در طول شب همواره درخشیدند در چشم آبها. وقتی که بازگشت بهاران را پاور نداشت کس، وقتی که فکر گل پر یاد رفته بود، یاران من شما

با یک سبد شقایق بر سینه های تان پائیز را به سبزه گرفتید.

ای نامتان بهار ای جسمتان فلات شقایق زار اینک که در رسیده بهاران، اینک که بازگشت پرستوست، اینک که شب شکسته به طوفان، با یاد سرختان بر وسعت زمین به تاراج رفتن صدها هزار چشمیم بیدار و شب شکن. صدها هزار دستیم پرا و کارزا.

آذر ۱۳۵۸ طارم سر بلیند

برای شهیدان حزب و جنبش

مردم، در نظر دار عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت شکن و متفرد خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده اند، جمع آوری کنید.

آمریکا، چین و تایلند به توطئه علیه کامبوجیا ادامه میدهند. مرز کامبوجیا و تایلند در هفته های اخیر بسیار متشنج شده است. دولت تایلند به دستهای ضد انقلابی رژیم جنایتکار سرنگون شده پول پوشتینیک ساری برای خرابکاری در نواحی مرزی کامبوجیا کمک می رساند. دولت کامبوجیا اعلام کرده است که تایلند مسئول این تشنج است. امپریالیسم آمریکا و مائوئیست های چین به خرابکاران پول پوشتینیک که در تایلند پایگاه دارند، کمک می رساند.

با اتکاء به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم